

سرمقاله

حساب جاری :
با دسته چک
یا بدون دسته چک؟علی نظافتیان
پژوهشگر حقوق بانکی

شورای عالی بانک مرکزی مصوبه‌ای دارد بنام "دستورالعمل حساب‌جاری (ریالی) و ضوابط اجرایی ماده (۶) اصلاحی قانون صدور چک"، این مصوبه در مهرماه سال جاری تصویب و توسط بانک مرکزی به شبکه بانکی کشور جهت اجرا ابلاغ شده است. فصل دوم مصوبه شورای عالی بانک مرکزی به: "شرایط افتتاح حساب‌جاری بدون دسته‌چک برای شخص حقیقی" و فصل سوم آن به "شرایط افتتاح حساب‌جاری بدون دسته‌چک برای شخص حقوقی" اختصاص یافته است. روابط‌عمومی بانک مرکزی هم در اطلاعیه ۲۳ خردادماه ۱۳۹۷ رسماً اعلام کرده است: "... امکان افتتاح حساب‌جاری بدون دسته‌چک (در چارچوب ماده ۲۱ قانون صدور چک) برای اشخاص حقیقی و حقوقی متقاضی که فاقد شرایط اخذ دسته‌چک هستند، فراهم شد. اما ماده ۲۱ قانون صدور چک که در این اطلاعیه مورد استناد روابط عمومی قرار گرفته است اصلاً فاقد مقررات روشن راجع به "حساب جاری بدون دسته چک" می باشد.

ادامه در همین صفحه

فرصت امروز

برای کسب و کار آفرینی

از سامانه مودیان تا مالیات بر ثروت

فشار مالیاتی یا اصلاح اقتصادی؟

فرصت امروز: اقتصاد ایران در روزهای اخیر فاز جدیدی از سیاست‌گذاری مالی شده است؛ فازی که در آن دولت به‌طور همزمان از ابزارهای مالیاتی، ارزی و تجاری برای افزایش درآمدهای پایدار و کنترل کسری بودجه استفاده می‌کند. مجموعه خبرهایی که این روزها منتشر شده، از اجرای کامل سامانه مودیان تا افزایش تعهدات ارزی صادرکنندگان و حتی طرح دوباره...

۲

جلسه سرنوشت ساز شورای عالی کار این هفته

دستمزد ۱۴۰۵
در پیچ سخت

فرصت امروز: بازار کار وارد حساس ترین هفته خود شده است؛ هفته ای که طبق اظهارات وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، جلسه بعدی برای تعیین دستمزد ۱۴۰۵ برگزار می شود و حتی سناریوی جمع بندی تا نیمه اسفند هم روی میز قرار گرفته است.

چرا جلسه این هفته مهم تر از همیشه است

تعیین حداقل دستمزد در ایران عملاً به مهم ترین «لنگر معیشتی» طبقات حقوق بگیر تبدیل شده است. تورم چندساله و جهش هزینه کالاهای ضروری، فاصله دستمزد با هزینه زندگی را بزرگ کرده و هر تصمیم شورای عالی کار مستقیماً روی مصرف خانوار، تقاضای بازار، و حتی انتظارات تورمی اثر می گذارد. این هفته از آن جهت...

۲

بازی همزمان نفت، سیاست و دلار؛ چرا بازار طلا وارد فاز تصمیم شده است؟

قیمت طلا در آستانه جهش یا ریزش؟

۴

مدیریت و کسبوکار

گوگل ادز: سرمایه‌گذاری هوشمندانه یا سوزاندن پول؟

اینترنت را یک کتابخانه بی‌نهایت بزرگ تصور کنید که هر کسب و کار یک کتاب در یکی از قفسه‌های آن است. بعضی کتاب‌ها در قفسه‌های بالایی و پر رفت و آمد قرار دارند و برخی دیگر در گوشه‌های تاریک و فراموش شده. حالا گوگل را کتابدار اصلی این مجموعه در نظر بگیرید؛ فردی که مردم برای پیدا کردن کتاب مورد نظرشان اول از همه به سراغ او می‌روند. شما می‌توانید سال‌ها تلاش کنید تا با نوشتن یک محتوای بی‌نظیر و جلب نظر دیگران، کتاب‌تان را به قفسه‌های بهتر منتقل کنید. به این کار سئو یا بهینه‌سازی موتور جست‌وجو می‌گویند. اما یک راه میانبر هم وجود دارد: شما می‌توانید به کتابدار مبلغی بپردازید تا کتاب شما را مستقیماً روی میز اصلی ورودی کتابخانه، درست جلوی چشم همه، قرار دهد. این همان کاری است که گوگل ادز انجام می‌دهد. این پیشنهاد، یعنی دیده شدن در کوتاه‌ترین زمان...

۸

حساب جاری : با دسته چک یا بدون دسته چک؟

به بانک" تلقی کرده است. ماده ۲ قانون عملیات بانکی بدون ربا "... افتتاح انواع حسابهای قرض الحسنه (جاری و پس انداز) و سپرده های سرمایه گذاری مدت دار و صدور اسناد مربوط به آنها بر طبق قوانین و مقررات..." را به عنوان یکی از وظایف نظام بانکی کشور تعیین کرده است.از نظر قانون مورد اشاره حساب جاری مانند حساب پس انداز جزو حساب های قرض الحسنه محسوب می شوند. یعنی حسابی که بانک نه به آن سود می دهد و نه می توان از وام گیرندگان سود ستاند. اما در مورد محسوب نمودن موجودی حساب جاری به عنوان "قرض" شاید این موضوع مغایرتی با موازین شرعی نداشته باشد.زیرا از نظر موازین شرعی قرض از جمله عقود تملیکی است. اما واقعیت آن است که عرف نمی تواند بپذیرد به محض واریز شدن مبلغی به حساب جاری ،موجودی حساب چاری به مالکیت بانک در می آید و جزو منابع داخلی بانک ها خواهد شد.زیرا براساس مبانی قانون عملیات بانکی بدون ربا ، شما موجودی حساب جاری خود را به بانک قرض داده اید. حال آنکه در قوانین مربوط به صدور چک فرض آن است که موجودی حساب جاری هر کس متعلق به خودش است ویا افتتاح حسب جاری اتفاق خاصی نمی افتد وموجودی حساب همچنان متعلق به دارنده آن است. به همین جهت در صورت بدهکاری دارنده حساب جاری موجودی حساب وی به حکم مراجع قضایی برای تامین بدهکاری دارنده حساب قابل توقیف وبرداشت است.حال آنکه اگرپس از واریز وجه مالکیت موجودی حساب جاری متعلق به بانک شده باشد ، منطقی نیست که مراجع قضایی موجودی متعلق به بانک را بابت بدهی یا تعهدات مالی دارنده حساب جاری توقیف یا برداشت نمایند.این تضاد فقهی وقانونی در مورد رابطه حقوقی بین دارنده حساب جاری وبانک وموجودی حساب را قانونگذار باید حل کند.

به‌هرحال صرف‌نظر از مقررات قانون تجارت راجع به تعریف چک ، شاید اولین مصوبه مجلس مربوط به صدور چک قانون موسوم به "قانون صدور چک " مصوب چهارم خردادماه ۱۳۴۴ باشد.در ماده ۱ قانون مورد اشاره آمده است: "... چکهای صادر به عهده بانکهایی که طبق قوانین دایر شده یا می‌شوند در حکم اسناد لازم‌الاجراء بوده و دارنده چک در صورت مراجعه به‌بانک و عدم پرداخت وجه آن به علت نبودن محل و یا به هر علت دیگری که منتهی به برگشت و عدم پرداخت چک گردد می‌تواند با رعایت قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط به اجرای اسناد رسمی وجه چک را از صادرکننده وصول نماید..."

دومین قانون جامع مربوط به مقررات صدور چک "قانون صدور چک "مصوب ۱۶ تیرماه ۱۳۵۵ است. ماده ۲۰ قانون مورد اشاره گفته است "... بانک‌ها مکلفانند کلیه حسابهای جاری اشخاصی را که ظرف سه سال پیش از یک‌بار چک بی‌محل صادر کرده و تعقیب آنها منتهی به صدور کیفرخواست شده باشد بسته و تا پنج سال به نام آنها حساب‌جاری دیگری باز ننمایند. هر بانکی به تکلیف فوق عمل ننماید به مجازات انتظامی مقرر در ماده ۴۴ قانون پولی و بانکی کشور محکوم خواهد

... باتوجه‌به مستندات مورد اشاره به‌ نظرم اکنون این پرسش قابل طرح است که مینا و مستند قانونی ابداع "حساب‌جاری بدون دسته‌چک" چیست ، آیا حساب جاری بدون دسته چک در قوانین مربوط به صدور چک معرفی شده است یاخیر و اساساً ابداع این نوع حساب چه نفعی برای مردم و شبکه بانکی کشور دارد؟ گفتنی است در حال حاضر هرشخص حقیقی یا حقوقی که حساب‌جاری دارد در صورت داشتن اعتبار، دسته‌چک هم خواهد داشت. در این زمینه باید توجه داشت که بر اساس مقررات موجود برخورداری از دسته‌چک نیازمند طی مراحل قانونی، اعتبارسنجی و نهایتاً بازکردن یک فقره حساب‌جاری نزدیکی از بانک‌هاست. پس داشتن حساب‌جاری در یکی از بانک‌های کشور داشتن دسته‌چک را به همراه خواهد داشت. این را قانون می‌گوید. پس شما بدون داشتن حساب‌جاری نمی‌توانید دسته‌چک کاغذی یا چک الکترونیکی داشته باشید. بدین ترتیب وقتی که شما با داشتن حساب‌جاری موفق به گرفتن دسته‌چک کاغذی یا چک الکترونیکی از بانک می‌شوید بدین معناست که می‌توانید چک صادر کنید و مبالغی را که در حساب موجود دارید با صدور چک به خودتان یا به شخص شناخته شده دیگر انتقال دهید. لازم به توضیح است براساس مقررات جدید دیگر نمی‌توان چک را دروجه‌حامل (شخص ناشناس) صادر کرد. پس داشتن دسته‌چک از ویژگی‌های اصلی حساب‌جاری است. این ویژگی ناشی از مقررات قانون صدور چک است و نه ناشی از مصوبات بانک مرکزی. به بیان دیگر پدیده‌ای بنام "حساب‌جاری بدون دسته‌چک" در قوانین مربوط به صدور چک جایی ندارد. با وجود آن گرچه قوانین مربوط به صدور چک قبل و بعد از انقلاب حساب‌جاری را ملازم با داشتن دسته‌چک می‌داند؛ اما در حال حاضر براساس مصوبه شورای عالی بانک مرکزی امکان گشایش حساب‌جاری بدون دسته‌چک هم در کشور ما فراهم شده است. یعنی شما می‌توانید از بانک خود درخواست گشایش یک فقره حساب‌جاری بدون دسته‌چک داشته باشید. ضمناً نباید از موجودی حساب جاری تان انتظار گرفتن سود داشته باشید. زیرا گرفتن سود بانکی یا گرفتن مبلغی اضافه از موجودی حساب یا اضافه بر مبلغ قرض از نظر شرعی ربا محسوب می‌شود. ولی در این معادله ،بر عکس دارنده حساب ، بانک‌ها از این منابع ارزان‌قیمت (موجودی حساب‌های جاری بدون دسته‌چک) فراوان بهره‌مند می‌شود ومنابع خود را ارزان تجهیز می‌کنند. بهر حال برای پاسخ به پرسش فوق بحث را با بررسی پیشینه قانونی ومقررات مربوط به صدور چک بی می گیریم:

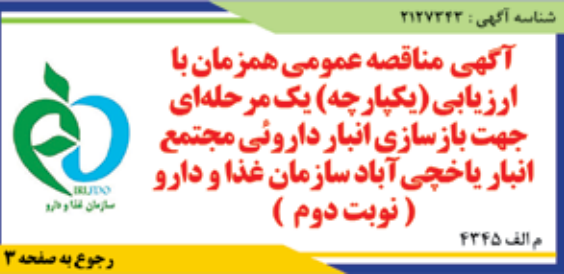
سیر تاریخی قانون گذاری مربوط به صدور چک

ماده ۳۱۰ قانون تجارت چک را چنین تعریف کرده است: "... چک نوشته‌ای است که به موجب آن صادرکننده وجوهی را که در نزد محال‌علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می‌نماید..." پس قانون تجارت خیلی واقع بینانه موجودی حساب جاری را متعلق به دارنده حساب جاری می‌داند که نزد بانک است.اما برعکس قانون عملیات بانکی بدون ربا موجود حساب جاری را "قرض دادن مشتری

شد. دادرهاها نیز مکلفاند صدور کیفرخواست را به بانک مرکزی اطلاع دهند و بانک مزبور مکلف است مشخصات کسانی را که با رعایت این قانون باید حسابشان بسته و نباید حساب‌جاری برایشان باز شود ضمن بخشنامه به تمام بانک‌ها اعلام نماید. درصورتی‌که منتهم به‌حکم قطعی دادگاه تیرنه شود دادرسا به تقاضای او مراتب را به بانک مرکزی اطلاع خواهد داد تا بانک مرکزی بدون اشکال بودن افتتاح حساب‌جاری وی را ضمن صدور بخشنامه به سایر بانک‌ها اطلاع دهد..."

در ادامه قانون‌گذاری مربوط به چک، شاید قانون اصلاح قانون صدور چک مصوب ۱۳ آذر ماه ۱۳۹۷ یکی از جامع ترین قوانین بعد از انقلاب در زمینه مقررات مربوط به صدور چک باشد.در این قانون چک الکترونیکی به رسمیت شناخته شده ودر تبصره ماده ۱ آن تاکید شده است : "... قوانین و مقررات مرتبط با چک حسب مورد، راجع به چکهایی که به شکل الکترونیکی (داده پیام) صادر می‌شوند نیز لازم الرعایه است. بانک مرکزی مکلف است ظرف مدت یک سال پس از لازم الاجراء شدن این قانون، اقدامات لازم در خصوص چکهای الکترونیکی (داده پیام) را انجام داده و دستورالعمل های لازم را صادر نماید..."

شایان توجه است ماده ۶ قانون مورد اشاره که مورد استناد شورای عالی بانک مرکزی در مصوبه مورد بحث قرار گرفته ناظر به تعیین شرایط افتتاح حساب جاری می‌باشد.این ماده در این مورد چنین گفته است: "... بانک‌ها مکلفند برای ارائه دسته چک به مشتریان خود، صرفاً از طریق سامانه صدور یکپارچه الکترونیکی دسته چک (صیاد) نزد بانک مرکزی اقدام نمایند. این سامانه پس از اطمینان از صحت مشخصات متقاضی با استعلام از سامانه نظام هویت سنجی الکترونیکی بانکی و نبود ممنوعیت قانونی، حسب مورد نسبت به دریافت گزارش اعتباری از سامانه ملی اعتبارسنجی موضوع ماده (۵) «قانون تسهیل اعطای تسهیلات و کاهش هزینه های طرح و تسریع در اجرای طرحهای تولیدی و افزایش منابع مالی و کارایی بانک‌ها مصوب ۴/ ۵/ ۱۳۸۶» یا رتبه بندی اعتباری از موسسات موضوع بند (۲۱) ماده (۱) «قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۹/ ۹/ ۱۳۸۴» اقدام نموده و متناسب با نتایج دریافتی، سقف اعتبار مجاز متقاضی را محاسبه و به هر بر گه چک شناسه یکتا و مدت اعتبار اختصاص می دهد. حداکثر مدت اعتبار چک از زمان دریافت دسته چک سه سال است و چکهایی که تاریخ مندرج در آنها پس از مدت اعتبار باشد، مشمول این قانون نمی شوند. ضوابط این ماده از جمله شرایط دریافت دسته چک، نحوه محاسبه سقف اعتبار و موارد مندرج در بر گه چک مانند هویت صاحب حساب مطابق دستورالعملی است که ظرف مدت یک سال پس از لازم الاجراء شدن این قانون توسط بانک مرکزی تهیه می‌شود و به تصویب شورای پول و اعتبار می‌رسد..." بنابراین، در هیچ کدام از قوانین مربوط به صدور چک، حساب‌های جاری را به "حساب‌جاری با دسته‌چک و حساب‌جاری بدون دسته‌چک" تعریف و دسته‌بندی نکرده است. پس مبنای قانونی تقسیم‌بندی مورد بحث و ابداع حساب‌جاری بدون



حذف نقره از صنعت خورشیدی شتاب گرفت

کارشناسان صنعت می‌گویند تولیدکنندگان پنل خورشیدی پس از افزایش ۱۳۰ درصدی قیمت نقره در طول سال گذشته، تلاش‌هایشان را برای استفاده از جایگزین‌هایی مانند مس تشدید کرده و حاشیه سود خود را که از قبل تحت فشار مازاد ظرفیت تولید، به ویژه در چین، قرار داشت، کاهش داده‌اند.

به گزارش ایسنا، درک اشنی، مشاور ارشد تجاری انرژی خورشیدی در شرکت جی کی رینیولز گفت: «نقره بزرگترین عامل افزایش هزینه تولید پنل‌های خورشیدی است.» او افزود که هزینه پنل‌های خورشیدی در ۱۲ ماه گذشته، هفت تا ۱۵ درصد افزایش یافته است.

تحلیلگران شرکت هرائوس خاطرنشان کردند که خمیر نقره، یک ماده کلیدی برای پنل‌های فتوولتائیک، ۳۰ درصد از کل هزینه‌های سلول‌های خورشیدی را تشکیل می‌دهد.

پس از افزایش ۱۴۷ درصدی در سال ۲۰۲۵، قیمت نقره در ژانویه در بحبوحه عرضه فیزیکی محدود و خرید خرده‌فروشی، به رکورد ۱۲۱.۶۴ دلار در هر اونس رسید و سپس به ۷۷ دلار در هر اونس کاهش یافت.

بخش فتوولتائیک ۱۹۶ میلیون اونس تروی معادل ۱۷ درصد از کل تقاضای نقره را تشکیل می‌دهد که این تقاضا نیز تحت تاثیر جواهرات، لوازم الکترونیکی و کاربردهای سرمایه‌گذاری قرار دارد. بن دامیانی، مدیر ارشد فناوری در شرکت انرژی تجدیدپذیر «چری استریت انرژی» گفت: «در آمریکا، هزینه‌های خمیر نقره به ازای هر مازول ۴۵۰ واتی از تقریباً ۵.۲۲ دلار در اوایل سال ۲۰۲۵، به حدود ۱۷.۶۵ دلار افزایش یافته است.»

تغییر به سمت مس شتاب می‌گیرد

با رسیدن قیمت نقره به ۲.۵ میلیون دلار در هر تن، تولیدکنندگان انرژی خورشیدی با سرعت بیشتری به سمت استفاده از جایگزین‌هایی مانند مس که آخرین بار با قیمت ۱۲۸.۲۳ دلار در هر تن معامله می‌شد، روی می‌آورند.

شرکت فناوری انرژی سبز «لانگی»، تولیدکننده پیشرو پنل‌های خورشیدی در چین، در ژانویه اعلام کرد که در فناوری صرفه‌جویی در هزینه شامل فلزات پایه پیشرفت‌هایی داشته است و قصد دارد تولید انبوه را بین آوریل و ژوئن آغاز کند.

ماربوس موردال باکه، معاون رئیس تحقیقات زنجیره تامین خورشیدی در شرکت تحقیقاتی «ریستاد انرژی» گفت: «انتظار می‌رود امسال تغییرات گسترده‌تری در صنعت رخ دهد و تولیدکنندگان پیشرو به سمت فلز کاری مس خالص و خمیرهای ترکیبی نقره-مس حرکت کنند.» او افزود، با توجه به اینکه قیمت مس تقریباً ۰.۵ درصد از قیمت نقره است، پتانسیل کاهش بیشتر هزینه‌ها از چنین تغییری بسیار زیاد است. بر اساس گزارش رویترز، دامیانی در «چری استریت انرژی» تخمین زد که تغییر از فلز کاری مبتنی بر نقره به مس می‌تواند تقریباً ۱۵ میلیارد دلار در سال صرفه‌جویی برای این بخش در سطح جهانی با ۵۰۰ گیگاوات تولید سالانه انرژی خورشیدی ایجاد کند.

با این حال، کارشناسان می‌گویند جایگزینی نقره با رسانایی الکتریکی بالاتر آن در مقایسه با مس، کار ساده‌ای نیست.

برآورد میلیاردی از هزینه اجرای یوروی دیجیتال

مقام ارشد بانک مرکزی اروپا گفت، راه‌اندازی یوروی دیجیتال طی چهار سال می‌تواند بین چهار تا ۶ میلیارد یورو برای بانک‌های اروپایی هزینه در بر داشته باشد.

به گزارش ایسنا، پیرو سیپولونه، عضو هیات مدیره بانک مرکزی اروپا، روز پنج‌شنبه (۳۰ بهمن) اظهار کرد: ایجاد یوروی دیجیتال که فقط به‌صورت الکترونیکی منتشر می‌شود، حدود ۱.۳ میلیارد یورو نیز برای خود بانک مرکزی اروپا هزینه اولیه خواهد داشت و همچنین هزینه‌های عملیاتی سالانه این نهاد برای مدیریت یوروی دیجیتال حدود ۳۰۰ میلیون یورو برآورد می‌شود.

بانک مرکزی اروپا با همکاری پیمانکاران خصوصی در حال ایجاد زیرساخت‌های فنی یوروی دیجیتال است. این ارز از طریق حساب‌هایی که ساکنان منطقه یورو نزد بانک مرکزی خواهند داشت، مدیریت می‌شود.

سیپولونه افزود: شهروندان اتحادیه اروپا در خارج از منطقه یورو نیز در صورت توافق بانک مرکزی کشورشان با بانک مرکزی اروپا، قادر به استفاده از یوروی دیجیتال برای پرداخت خواهند بود.

بانک مرکزی اروپا در انتظار تصویب قوانین لازم از سوی اتحادیه اروپاست تا بتواند یوروی دیجیتال را منتشر کند. این نهاد معتقد است یوروی دیجیتال به حفظ نقش پول عمومی در اقتصاد دیجیتال، یکپارچه‌سازی نظام پرداخت پراکنده اروپا و کاهش وابستگی به ارائه‌دهندگان خدمات پرداخت خارج از اتحادیه اروپا کمک می‌کند و در نتیجه حاکمیت پولی و امنیت اقتصادی بلوک را تقویت خواهد کرد.

سیپولونه گفت: بر اساس اطلاعات دریافتی از بانک‌ها، هزینه اجرای این طرح طی چهار سال معادل حدود سه درصد از هزینه سالانه نگهداری سامانه‌های فناوری اطلاعات آنهاست.

وی تأکید کرد: بانک‌ها می‌توانند این هزینه‌ها را از طریق کارمزدهایی جبران کنند که بابت ارائه خدمات یوروی دیجیتال از بازرگانان دریافت می‌کنند. همچنین بانک‌ها اپلیکیشن تلفن همراه مودرنیز برای پرداخت با یوروی دیجیتال را در اختیار کاربران قرار خواهند داد.

همچنین بانک‌ها مجبور نخواهند بود هزینه‌های مربوط به شبکه‌های پرداخت خصوصی را از کارمزد بازرگانان کسر کنند، زیرا بانک مرکزی اروپا برای استفاده از شبکه خود کارمزدی دریافت نخواهد کرد.

بانک مرکزی اروپا اکنون در حال انتخاب بانک‌هایی است که تمایل دارند در مرحله آزمایشی یوروی دیجیتال پیش از راه‌اندازی رسمی آن در سال ۲۰۲۹ مشارکت کنند.

خبرگزاری رویترز گزارش کرد، از سوی دیگر، بازرگانان نیز از این طرح سود خواهند برد، زیرا سقفی برای کارمزد پرداخت‌های یوروی دیجیتال تعیین می‌شود و این سقف کمتر از کارمزدی خواهد بود که در حال حاضر شرکت‌های بین‌المللی مانند مسترکارت و ویزا دریافت می‌کنند.

جلسه سرنوشت ساز شورای عالی کار این هفته

دستمزد ۱۴۰۵ در پیچ سخت



با توجه به چارچوبی که از سوی وزیر کار مطرح شده، محتمل ترین مسیر، حرکت به سمت «بسته ترکیبی» است: یعنی افزایش حداقل مزد به همراه تقویت مزایایی مثل بن کارگری، حق مسکن، یا پایه سنوات، چون در عمل، وقتی اختلاف نظر بر سر درصد بالا می رود، سیاست گذار تلاش می کند بخشی از جبران را از کانال مزایا انجام دهد تا هم قدرت خرید ترمیم شود و هم فشار مستقیم روی دستمزد پایه (و اثرات بیمه ای و مالیاتی) مدیریت شود. البته تصمیم نهایی به چانه زنی سه ضلع و به ویژه جمع بندی سبد معیشت بستگی دارد.

پیامدهای اقتصادی تصمیم این هفته: از تورم تا رکود

هر تصمیم دستمزدی سه اثر همزمان دارد. اثر اول بر مصرف خانوار است: اگر دستمزد واقعی ترمیم شود، تقاضای کالاهای ضروری تقویت می شود و بخشی از رکود مصرفی کاهش می یابد. اثر دوم بر هزینه بنگاه هاست: رشد هزینه نیروی کار می تواند در صنایع کاربر، فشار حاشیه سود ایجاد کند و بنگاه ها را به افزایش قیمت یا کاهش تولید سوق دهد. اثر سوم بر انتظارات تورمی است: جامعه وقتی از «افزایش بزرگ مزد» می شنود، ممکن است آن را سیگنال تورم آینده تلقی کند، حتی اگر اثر واقعی آن محدود باشد. به همین دلیل است که سال های اخیر، دستمزد از یک موضوع صرفا کارگری، به یک متغیر کلان اقتصادی تبدیل شده است.

جمع بندی: این هفته نقطه تقاطع معیشت و اقتصاد کلان است

جلسه تعیین مزد ۱۴۰۵ در این هفته، بیش از آنکه یک نشست اداری باشد، صحنه تصمیم گیری درباره «حداقل استاندارد زندگی» و «حد تحمل پناه» است. دولت می گوید مینا سبد معیشت و تورم است و هنوز عدد مشخصی روی میز نگذاشته، و همزمان از تداوم جلسات در هفته آینده و احتمال جمع بندی تا نیمه اسفند صحبت می شود. نتیجه هرچه باشد، یک واقعیت ثابت است: اگر تصمیم، شکاف دستمزد و معیشت را ترمیم نکند، فشار اجتماعی باقی می ماند؛ و اگر تصمیم، توان بنگاه ها را ناذیده بگیرد، ریسک رکود و تعدیل نیرو بالا می رود. هنر سیاست گذاری دقیقاً در پیدا کردن نقطه تعادل میان این دو است.

شکاف دستمزد و هزینه زندگی به نقطه خطر رسیده است. نمایندگان کارفرمایی اما نگران جهش هزینه تولید، رکود فروش و فشار نقدینگی بنگاه ها هستند و معمولاً تلاش می کنند رشد مزد «قابل تحمل» باشد یا دست کم بخشی از جبران از مسیر مزایا و سیاست های حمایتی انجام شود. ضلع دولت هم میان این دو قرار می گیرد: از یک سو زیر فشار معیشتی و اجتماعی، و از سوی دیگر درگیر دغدغه تورم و پایداری بنگاه ها.

چرا «سبد معیشت» دوباره به مرکز مذاکره برگشته است

در خبرهای این روزها یک عبارت تکرار می شود: «همه چیز بر اساس سبد معیشت». این تأکید از آن جهت مهم است که اگر سبد معیشت به عنوان مبنای اصلی پذیرفته شود، بحث به سمت «سطح واقعی هزینه زندگی» می رود، نه صرفاً درصدهای مرسوم. وزیر کار هم دقیقاً همین خط را برجسته کرده است: دولت عدد مشخصی پیشنهاد نکرده و تعیین افزایش باید بر اساس سبد معیشت و تورم باشد. نتیجه عملی این رویکرد می تواند دو پیام داشته باشد: اول، احتمال رشد دستمزد بالاتر از سناریوهای محافظه کارانه افزایش می یابد اگر فاصله سبد و حداقل مزد زیاد تشخیص داده شود. دوم، مذاکرات طولانی تر و سخت تر می شود چون اختلاف بر سر «عدد سبد» معمولاً از اختلاف بر سر «درصد افزایش» پیچیده تر است.

زمان بندی تصمیم: چرا از «تا ۱۵ اسفند» صحبت می شود

گزارش های رسانه ای می گویند جلسات تعیین مزد شروع شده و احتمال دارد تا ۱۵ اسفند جمع بندی انجام شود. این زمان بندی بی دلیل نیست. از نظر اجرایی، بنگاه ها و دستگاه های پرداخت حقوق باید پیش از پایان سال بدانند سال بعد با چه ساختار دستمزدی وارد می شوند. از نظر اجتماعی هم نزدیک شدن به شب عید، حساسیت موضوع را بالا می برد. بنابراین فشار زمانی وجود دارد، اما همین فشار می تواند ریسک تصمیم عجولانه را هم افزایش دهد؛ چون اگر روی عددی توافق نشود، یا به مصالحه شکننده برسند، احتمال اعتراض و بازگشت دوباره موضوع به رسانه ها زیاد می شود.

سناریوهای محتمل روی میز: درصد بالا یا بسته ترکیبی

فرصت امروز: بازار کار وارد حساس ترین هفته خود شده است؛ هفته ای که طبق اظهارات وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، جلسه بعدی برای تعیین دستمزد ۱۴۰۵ برگزار می شود و حتی سناریوی جمع بندی تا نیمه اسفند هم روی میز قرار گرفته است.

چرا جلسه این هفته مهم تر از همیشه است

تعیین حداقل دستمزد در ایران عملاً به مهم ترین «لنگر معیشتی» طبقات حقوق بگیر تبدیل شده است. تورم چندساله و جهش هزینه کالاهای ضروری، فاصله دستمزد با هزینه زندگی را بزرگ کرده و هر تصمیم شورای عالی کار مستقیماً روی مصرف خانوار، تقاضای بازار، و حتی انتظارات تورمی اثر می گذارد. این هفته از آن جهت ویژه است که جلسات وارد فاز تصمیم گیری می شود؛ یعنی از بحث های کلی درباره میناها، به سمت عدد و فرمول می رود. مطابق گفته وزیر کار، در جلسه اول (هفته قبل) بررسی ها شروع شده و جلسه بعدی هفته آینده (همین هفته) ادامه می یابد.

چه چیزهایی این روزها درباره فرمول دستمزد مطرح شده است

کانون بحث های رسانه ای و کارشناسی، دو محور است: «تورم» و «سبد معیشت». وزیر کار صریحاً گفته دولت عدد مشخصی پیشنهاد نکرده و مینا باید ترکیبی از سبد معیشت و تورم باشد تا قدرت خرید کارگران حفظ شود. همین گزاره، از نظر سیاست گذاری یعنی چانه زنی امسال صرفاً بر سر درصد افزایش نیست؛ بلکه بر سر این است که کدام تورم (میانگین سالانه یا نقطه به نقطه) و کدام برآورد از سبد معیشت، مبنای تصمیم قرار گیرد. در ادبیات شورای عالی کار، سبد معیشت قرار است حداقل هزینه های یک خانوار کارگری را نشان دهد؛ اما همواره درباره «ترکیب اقلام»، «قیمت گذاری اقلام» و «بعد خانوار» اختلاف نظر وجود داشته و همین اختلاف، موتور اصلی چانه زنی هر سال است.

بازی سه ضلع: کارگر، کارفرما، دولت

شورای عالی کار سه ضلع دارد و هر ضلع با یک منطق وارد مذاکره می شود. نمایندگان کارگری معمولاً روی ترمیم قدرت خرید و نزدیک کردن حداقل مزد به سبد معیشت تأکید می کنند، چون از نگاه آنان

فرصت امروز: اقتصاد ایران در روزهای اخیر وارد فزای جدیدی از سیاست گذاری مالی شده است؛ فازی که در آن دولت به‌طور همزمان از ابزارهای مالیاتی، ارزی و تجاری برای افزایش درآمدهای پایدار و کنترل کسری بودجه استفاده می کند. مجموعه خبرهایی که این روزها منتشر شده، از اجرای کامل سامانه مودیان تا افزایش تعهدات ارزی صادرکنندگان و حتی طرح دوباره مالیات بر ثروتمندان، نشان می‌دهد که یک تغییر رویکرد جدی در حال شکل‌گیری است. این تغییر رویکرد را می‌توان به‌طور خلاصه «حرکت از اقتصاد نفتی به اقتصاد مالیاتی» توصیف کرد؛ اما سوال اصلی اینجاست که این سیاست‌ها به اصلاح ساختار اقتصاد منجر می‌شود یا فشار جدیدی بر فعالان اقتصادی وارد خواهد کرد؟

سامانه مودیان؛ پایان اقتصاد پنهان یا آغاز نگرانی‌ها

اجرای کامل قانون مالیاتی سامانه مودیان، یکی از مهم‌ترین تحولات این روزهای اقتصاد ایران است. این سامانه قرار است تمامی تراکنش‌های مالی، فاکتورها و فعالیت‌های اقتصادی را به‌صورت شفاف ثبت کند و عملاً فضای فرار مالیاتی را محدود سازد. از نگاه سیاست‌گذار، این اقدام یک ضرورت است؛ زیرا در سال‌های گذشته، بخش بزرگی از اقتصاد خارج از چتر مالیاتی فعالیت می‌کرد و دولت ناچار بود برای تأمین منابع خود به درآمدهای ناپایدار مانند نفت یا استقراض متوسل شود.

اما در سوی دیگر، فعالان اقتصادی نگرانی‌هایی دارند. بسیاری از کسب‌وکارها معتقدند که زیرساخت‌های اجرایی هنوز به‌طور کامل آماده نیست و اجرای سختگیرانه این سامانه می‌تواند هزینه‌های عملیاتی را افزایش دهد. به‌ویژه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط که حاشیه سود محدودی دارند، بیش از دیگران در معرض فشار قرار می‌گیرند.

مالیات بر ثروتمندان؛ بازگشت یک ایده قدیمی

در کنار سامانه مودیان، یکی از بحث‌برانگیزترین خبرهای این روزها، بازگشت ایده مالیات‌ستانی از ثروتمندان است؛ سیاستی که در بسیاری از کشورهای دنیا برای کاهش نابرابری اجرا می‌شود.

مدافعان این سیاست معتقدند که در شرایط تورمی، شکاف درآمدی افزایش یافته و دریافت مالیات از دارایی‌های بزرگ می‌تواند به توزیع عادلانه‌تر ثروت کمک کند.

اما منتقدان هشدار می‌دهند که در نبود زیرساخت‌های شفاف و پایگاه‌های اطلاعاتی دقیق، این سیاست می‌تواند به فرار سرمایه و خروج نقدینگی از بخش مولد منجر شود.

در واقع، چالش اصلی اینجاست که چگونه می‌توان مالیات بر ثروت

از سامانه مودیان تا مالیات بر ثروت

فشار مالیاتی یا اصلاح اقتصادی؟

را به‌گونه‌ای اجرا کرد که هم درآمد دولت افزایش یابد و هم انگیزه سرمایه‌گذاری کاهش پیدا نکند.

پایان فرار مالیاتی در بازار کریپتو؟

یکی از مهم‌ترین محورهای جدید سیاست مالیاتی، ورود به حوزه رمزارزها است. در سال‌های اخیر، بازار کریپتو به یکی از مسیرهای مهم انتقال سرمایه تبدیل شده و به دلیل نبود قوانین مشخص، عملاً خارج از نظام مالیاتی فعالیت می‌کرد.

اکنون با توافق‌های بین‌المللی و تلاش برای ایجاد چارچوب‌های گزارش‌دهی، دولت‌ها در حال حرکت به سمت شناسایی و مالیات‌گیری از این بخش هستند.

برای اقتصاد ایران نیز این موضوع اهمیت بالایی دارد؛ زیرا بخش قابل توجهی از سرمایه‌های خرد و کلان به سمت بازار رمزارزها حرکت کرده و در صورت عدم نظارت، می‌تواند به کاهش پایه مالیاتی منجر شود. با این حال، اعمال مالیات در این حوزه نیز چالش‌های خاص خود را دارد، از جمله امکان انتقال سرمایه به پلتفرم‌های خارجی و دشواری رصد تراکنش‌ها.

سیاست ارزی جدید؛ کنترل بازار یا فشار بر صادرکننده؟

در کنار سیاست‌های مالیاتی، دولت در حوزه ارزی نیز دست به تغییرات مهمی زده است. یکی از این تغییرات، افزایش حداقل درصد بازگشت ارز حاصل از صادرات است.

هدف این سیاست، تأمین ارز مورد نیاز کشور و کنترل بازار ارز است. اما صادرکنندگان معتقدند که افزایش تعهدات ارزی، در شرایطی که نقل‌وانتقال پول با محدودیت مواجه است، می‌تواند فعالیت آنها را دشوارتر کند.

همزمان، خبرهایی از حذف برخی محدودیت‌های ارزی نیز منتشر شده که نشان می‌دهد سیاست‌گذار به دنبال ایجاد تعادل میان کنترل بازار و تسهیل تجارت است.

این دوگانه سیاستی، یعنی «کنترل» و «آزادسازی»، یکی از ویژگی‌های اصلی سیاست ارزی در سال‌های اخیر بوده است.

مدیریت نرخ ارز؛ کلید کنترل تورم

یکی از اهداف اصلی مجموعه این سیاست‌ها، کنترل نرخ ارز و در نتیجه مهار تورم است. تجربه سال‌های گذشته نشان داده که نوسانات نرخ ارز، مهم‌ترین عامل افزایش قیمت‌ها در اقتصاد ایران بوده است. دولت تلاش می‌کند با ابزارهای مختلف، از جمله بازگشت ارز صادرکننده، محدودیت‌های ارزی و سیاست‌های مالی، بازار ارز را مدیریت کند.

نگاه



ایرلین‌ها در پروازهای نوروزی قیمت متعارف بلیت را رعایت کنند

یک مقام مسئول گفت: انتظار داریم با همراهی شرکت‌های هواپیمایی در حوزه نرخ‌گذاری، پروازهای نوروزی با موفقیت و رضایت‌مندی مسافران به انجام برسد.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از سازمان هواپیمایی کشوری، کاپیتان ابودر شیرودی معاون وزیر راه و شهرسازی و رئیس سازمان هواپیمایی کشوری در نشست با مدیران عامل شرکت‌های هواپیمایی با اشاره به شرایط و چالش‌های موجود در صنعت حمل‌ونقل هوایی، اظهار داشت: با مشکلات شرکت‌های هواپیمایی آشنایی کامل دارم و سازمان هواپیمایی کشوری در این حوزه نقشی حمایتی و حاکمیتی ایفا می‌کند. وی افزود: در راستای حمایت از صنعت هوانوردی، علی‌رغم تمامی محدودیت‌ها و مشکلات موجود، موضوع نرخ سوخت شرکت‌های هواپیمایی را به‌صورت جدی پیگیری کرده‌ایم و این روند همچنان ادامه دارد.

رئیس سازمان هواپیمایی کشوری با تأکید بر اهمیت برنامه‌ریزی دقیق برای سفرهای پیش رو تصریح کرد: در پروازهای نوروزی ۱۴۰۵ لازم است شرکت‌های هواپیمایی، مدیریت و کنترل پروازها را به‌صورت منسجم در داخل مجموعه خود انجام دهند تا عملیات پروازی با نظم و کمترین چالش اجرایی شود.

وی همچنین بر لزوم همکاری شرکت‌ها در زمینه رعایت قیمت‌های متعارف بلیت تأکید کرد و گفت: انتظار داریم با همراهی شرکت‌های هواپیمایی در حوزه نرخ‌گذاری، پروازهای نوروزی با موفقیت و رضایت‌مندی مسافران به انجام برسد.

کاپیتان شیرودی با اشاره به موضوع حقوق مسافر خاطر‌نشان کرد: سازمان هواپیمایی کشوری به‌صورت جدی و سخت‌گیرانه، موضوع تأخیرات و کنسلی پروازها را پیگیری می‌کند و باید این‌موارد به حداقل برسد. وی تأکید کرد: سازمان هواپیمایی کشوری نقش حمایتی خود را در قبال شرکت‌های هواپیمایی ایفا خواهد کرد، اما در عین حال بر اجرای دقیق مقررات و صیانت

از حقوق مردم نیز اصرار دارد. معاون سازمان هواپیمایی: پیگیر حل‌وفصل مسائل اساسی صنعت هوانوردی هستیم در ادامه این نشست سید حمید رضا صاعی معاون هوانوردی و امور بین الملل سازمان هواپیمایی کشوری گفت: در حالی که صنعت هوانوردی کشور با مجموعه‌ای از چالش‌های هم‌زمان در حوزه‌های اقتصادی و مقرراتی مواجه است، با برگزاری جلسات مستمر با نهادهای ذی‌ربط، پیگیر حل‌وفصل مسائل اساسی این صنعت هستیم. وی افزود: با فشارهای اقتصادی گسترده روبه‌رو هستیم و شرکت‌های هواپیمایی نیز تحت تأثیر افزایش هزینه‌ها، رشد قیمت سوخت، مالیات‌ها و عوارض متعدد بر بلیت هواپیما قرار دارند.

دبیر انجمن شرکت‌های هواپیمایی: مالیات‌ها و عوارض متعدد به ایرلین‌ها فشار می‌آورد

همچنین مقصود اسعدی سامانی دبیر انجمن شرکت‌های هواپیمایی اظهار داشت: بحث مالیات‌های مضاعف بر بلیت هواپیما و سوخت نیز در دستور کار قرار دارد و علاوه بر مالیات بر ارزش افزوده، برخی عوارض و تعرفه‌های متعدد که ذیل قوانین مختلف و از سوی دستگاه‌های گوناگون اعمال می‌شود، فشار مضاعفی بر شرکت‌های وارد کرده است. از جمله این موارد می‌توان به عوارض مرتبط با گردشگری و همچنین عوارض ۵ یورویی جدید برای برخی مقاصد ورودی گردشگری اشاره کرد.

وی افزود: شرکت‌های هواپیمایی با توجه به رکود بازار سفر، کاهش قدرت خرید مردم و افزایش هزینه‌های ارزی ناشی از رشد نرخ دلار، خواستار همراهی بیشتر دولت شده‌اند. در حالی که تقاضای سفر کاهش یافته، هزینه‌های عملیاتی از جمله تأمین قطعات، سوخت و خدمات فنی افزایش چشمگیری داشته و ادامه این روند می‌تواند پایداری مالی شرکت‌ها را تهدید کند.

یک پیش‌بینی مهم درباره قیمت طلا

بانک سرمایه‌گذاری گلدمن ساکس در یادداشتی اعلام کرد قیمت طلا می‌تواند تا پایان سال میلادی جاری به ۵۴۰۰ دلار در هر اونس برسد. به گزارش خبرگزاری خبرنگرانین، براساس گزارش رویترز، قیمت طلا در معاملات روز جمعه کاهش یافت و در آستانه ثبت یک کاهش هفتگی قرار گرفت. روندی که تحت‌تأثیر تقویت دلار و انتظار سرمایه‌گذاران برای انتشار داده‌های تورمی آمریکا شکل گرفته است.

مهر نوشت: قیمت هر اونس طلا امروز با ۰.۱۰ درصد کاهش به ۴۹۹۱ دلار و ۲۱ سنت رسید. در مقابل، قیمت معاملات اتی طلا در بازار کامکس نیویورک با ۰.۲۴ درصد افزایش به ۵۰۰۹ دلار و ۵۰ سنت معامله شد. تحلیلگران معتقدند بازار فلزات گرانبها در فاز تثبیت قرار دارد و با وجود فشار ناشی از رشد دلار، تمایل چندانی به افت شدید قیمت‌ها مشاهده نمی‌شود. افزایش ارزش دلار طی روزهای اخیر، فشار محدودی بر بازار طلا و سایر فلزات گرانبها وارد کرده است.

به گفته فعالان بازار، حتی در دوره‌ای که تقاضای حمایتی چین در بازار حضور ندارد، ثبات قیمت طلا نشان‌دهنده وجود تقاضای قابل‌توجه در سطوح قیمتی پایین‌تر است. بازارهای چین، هنگ‌کنگ، سنگاپور و تایوان به‌دلیل تعطیلات سال نوی چینی بسته بوده‌اند. دلار آمریکا در آستانه ثبت بهترین عملکرد هفتگی خود از ماه اکتبر قرار دارد؛ موضوعی که نتیجه انتشار داده‌های اقتصادی فراتر از انتظار، تقویت چشم‌انداز سیاست پولی انقباضی فدرال رزرو و تداوم تنش‌های ژئوپلیتیکی، از جمله تنش میان آمریکا و ایران، ارزیابی می‌شود. در حال حاضر تمرکز بازارها بر انتشار شاخص هزینه‌های مصرف شخصی (PCE) در ماه دسامبر است؛ شاخصی که به‌عنوان معیار تورمی مورد ترجیح فدرال رزرو شناخته می‌شود و می‌تواند سرخ‌های مهمی از مسیر آتی نرخ بهره ارائه دهد. برآوردها نشان می‌دهد فدرال رزرو احتمالاً نخستین کاهش نرخ بهره را در ماه ژوئن اجرایی خواهد کرد. طلا به‌عنوان دارایی بدون بازده، معمولاً در محیط نرخ بهره پایین عملکرد بهتری دارد. بانک سرمایه‌گذاری گلدمن ساکس در یادداشتی اعلام کرد در سناریوی پایه، انتظار می‌رود خرید طلا از سوی بانک‌های مرکزی دوباره شتاب بگیرد، در حالی که سرمایه‌گذاران خصوصی عمدتاً پس از آغاز کاهش نرخ بهره فدرال رزرو وارد بازار خواهند شد. بر اساس این برآورد، قیمت طلا می‌تواند تا پایان سال میلادی جاری به ۵۴۰۰ دلار در هر اونس برسد. این بانک همچنین تأکید کرده است که با وجود احتمال نوسانات بالا، چشم‌انداز میان‌مدت قیمت طلا همچنان صعودی ارزیابی می‌شود. در میان سایر فلزات گرانبها، قیمت نقره با ۰.۱۹ درصد افزایش به ۲۹ دلار و ۷۹ سنت رسید، در حالی که پلاتین با کاهش ۰.۷۷ درصدی در سطح ۲۰۶۵ دلار و ۳۱ سنت معامله شد.

فرصت امروز

بازی همزمان نفت، سیاست و دلار؛ چرا بازار طلا وارد فاز تصمیم شده است؟

قیمت طلا در آستانه جهش یا ریزش؟



فرصت امروز: بازار طلا در روزهای پایانی بهمن و آغاز اسفند ۱۴۰۴

وارد مرحله‌ای حساس و تعیین‌کننده شده است؛ مرحله‌ای که در آن، برخلاف گذشته، قیمت‌ها دیگر تنها تحت تأثیر نرخ دلار حرکت نمی‌کنند، بلکه مجموعه‌ای از عوامل جهانی و داخلی، مسیر این بازار را شکل می‌دهند. بررسی روند قیمت طلا در یک هفته گذشته نشان می‌دهد که بازار در حال ورود به یک نقطه عطف است؛ جایی که تصمیمات سیاسی، تحولات ژئوپلیتیک و نوسانات بازار انرژی، بیش از هر زمان دیگری بر رفتار سرمایه‌گذاران تأثیرگذار شده‌اند.

در چنین فضایی، طلا نه‌تنها یک دارایی مالی، بلکه به ابزاری برای سنجش ریسک و نااطمینانی در اقتصاد تبدیل شده است.

روند قیمت طلا در یک هفته گذشته: نوسان در سایه اخبار
در یک هفته اخیر، قیمت طلا در بازار داخلی و جهانی با نوسانات قابل‌توجهی همراه بوده است. در برخی روزها، افزایش قیمت اونس جهانی باعث رشد قیمت طلا در بازار داخلی شد، اما هم‌زمان کاهش مقطعی نرخ دلار در ایران، مانع از جهش شدید قیمت‌ها شد.

با این حال، وضعیت باعث شد که بازار در یک حالت «نوسان محدود» قرار گیرد؛ به این معنا که قیمت‌ها در یک بازه مشخص بالا و پایین شدند، اما روند صعودی یا نزولی مشخصی شکل نگرفت. در واقع، بازار طلا در این دوره، بیش از هر چیز به اخبار واکنش نشان داده است؛ به‌طوری که هر خبر سیاسی یا اقتصادی، به‌سرعت در قیمت‌ها منعکس شده است.

نقش نفت در تعیین قیمت طلا: رابطه‌ای که جدی‌تر شده است
یکی از مهم‌ترین اتفاقات هفته گذشته، افزایش قیمت جهانی نفت به بالاترین سطح در حدود شش ماه اخیر بود. این رشد، به‌ویژه در سایه تنش‌های منطقه‌ای و احتمال درگیری‌های جدید، رخ داد. افزایش قیمت نفت، از دو مسیر بر بازار طلا تأثیر می‌گذارد:

۱. افزایش انتظارات تورمی جهانی

رشد قیمت نفت معمولاً به افزایش هزینه‌های تولید و حمل‌ونقل منجر می‌شود و در نهایت تورم را بالا می‌برد. این موضوع باعث افزایش تقاضا برای طلا به‌عنوان دارایی امن می‌شود.

۲. افزایش ریسک‌های ژئوپلیتیک
هرگونه تنش در مناطق نفت‌خیز، به‌طور مستقیم به افزایش تقاضا برای طلا منجر می‌شود.

به همین دلیل، در روزهای اخیر، هم‌زمان با افزایش قیمت نفت، بازار

اما نکته مهم این است که این تقاضا بیشتر جنبه «حفظ ارزش» دارد تا «سودآوری کوتاه‌مدت». به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاران به دنبال محافظت از دارایی خود در برابر تورم و نااطمینانی هستند.

سناریوهای پیش‌روی قیمت طلا

برای آینده قیمت طلا، می‌توان سه سناریوی اصلی در نظر گرفت:
– سناریوی اول: کاهش قیمت

در صورت بهبود روابط سیاسی و کاهش تنش‌ها، احتمال کاهش نرخ دلار و در نتیجه کاهش قیمت طلا وجود دارد.

– سناریوی دوم: ثبات نسبی

در صورت ادامه وضعیت فعلی، قیمت طلا در محدوده فعلی نوسان خواهد کرد.

– سناریوی سوم: جهش قیمت

در صورت افزایش تنش‌های منطقه‌ای یا رشد بیشتر قیمت نفت، احتمال جهش قیمت طلا وجود دارد.

اقتصاد ایران و طلا؛ نقش تورم

یکی از عوامل مهمی که در تحلیل قیمت طلا در ایران باید در نظر گرفت، تورم است. حتی اگر قیمت جهانی طلا یا نرخ دلار کاهش یابد، تورم داخلی می‌تواند از قیمت‌ها حمایت کند.

به همین دلیل، طلا در ایران همچنان یکی از ابزارهای اصلی حفظ ارزش پول محسوب می‌شود.

جمع‌بندی: قیمت طلا در نقطه تصمیم

بازار طلا در حال حاضر در نقطه‌ای قرار دارد که می‌توان آن را «نقطه تصمیم» نامید. روند نه صعودی قطعی شکل گرفته و نه نشانه‌ای از سقوط جدی دیده می‌شود.

آنچه مسیر آینده قیمت طلا را تعیین می‌کند، نه تنها متغیرهای اقتصادی، بلکه تحولات سیاسی و ژئوپلیتیک است.

در واقع، می‌توان گفت:

قیمت طلا بیش از هر زمان دیگری، آینه‌ای از نااطمینانی در اقتصاد است.

تا زمانی که این نااطمینانی ادامه داشته باشد، بازار طلا نیز در همین وضعیت نوسانی باقی خواهد ماند؛ بازاری که هر لحظه ممکن است با یک خبر، مسیر خود را تغییر دهد. برای مشاهده قیمت لحظه ای طلا به صفحه مرجع قیمت طلا مراجعه کنید.

طلا نیز تقویت شده است.

تحولات سیاسی؛ مهم‌ترین محرک قیمت طلا

در کنار نفت، مهم‌ترین عامل اثرگذار بر قیمت طلا، تحولات سیاسی بوده است. اخبار مربوط به احتمال همکاری ایران و آمریکا در حوزه نفت و گاز، از یک سو، و سناریوهای تنش و درگیری از سوی دیگر، بازارها را در وضعیت متناقضی قرار داده است.

این وضعیت باعث شده که بازار طلا با دو نیروی متضاد مواجه شود:

• اخبار مثبت سیاسی → کاهش انتظارات تورمی → فشار نزولی بر طلا

• اخبار تنش‌آمیز → افزایش ریسک → رشد تقاضای طلا

نتیجه این تضاد، نوسان شدید قیمت‌ها و نبود روند مشخص است.

نقش دلار در بازار طلا؛ هنوز تعیین‌کننده اما نه تنها عامل

در بازار داخلی ایران، قیمت طلا همچنان به‌شدت به نرخ دلار وابسته است. در هفته گذشته، کاهش نسبی نرخ دلار باعث شد که رشد قیمت طلا محدود شود.

با این حال، برخلاف گذشته، دلار دیگر تنها عامل تعیین‌کننده نیست. افزایش قیمت جهانی طلا و انتظارات تورمی، باعث شده که حتی در شرایط کاهش دلار، قیمت طلا به‌طور کامل افت نکند.

این تغییر نشان می‌دهد که بازار طلا در حال پیچیده‌تر شدن است و دیگر نمی‌توان آن را تنها با یک متغیر تحلیل کرد.

چرا قیمت طلا سیگنال متناقض می‌دهد؟

بررسی رفتار بازار نشان می‌دهد که قیمت طلا در حال حاضر تحت تأثیر چندین عامل متضاد قرار دارد:

• کاهش دلار → کاهش قیمت طلا

• افزایش نفت → افزایش قیمت طلا

• اخبار مثبت سیاسی → فشار نزولی

• ریسک‌های ژئوپلیتیک → فشار صعودی

این ترکیب، باعث شده که بازار در وضعیت «بی‌تصمیمی» قرار گیرد. در چنین شرایطی، سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند با احتیاط عمل کنند و از ورود سنگین به بازار خودداری کنند.

رفتار سرمایه‌گذاران؛ حرکت به سمت دارایی امن

در هفته‌های اخیر، رفتار سرمایه‌گذاران نشان می‌دهد که تمایل به دارایی‌های امن افزایش یافته است. طلا، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین این دارایی‌ها، همچنان مورد توجه قرار دارد.

شاخص کل رشد کرد، اما بازار همچنان در وضعیت انتظار

بورس تهران در هفته‌ای پر نوسان؛ صعود محتاطانه زیر سایه نااطمینانی

پایینی محسوب می‌شود. در برخی روزها، ارزش معاملات حتی به زیر ۵ هزار میلیارد تومان نیز رسید که نشان‌دهنده کاهش مشارکت فعالان بازار است. خروج پول حقیقی نیز از دیگر نشانه‌های احتیاط در بازار بود. در مجموع هفته، حدود ۱۲۰۰ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار خارج شد. هرچند در برخی روزها ورود پول ثبت شد، اما روند کلی همچنان خروج سرمایه از بازار را نشان می‌دهد.

نوسانات روزانه و رفتار شاخص

در مقابل، شاخص کل در برخی روزها رشد قابل‌توجهی را تجربه کرد. برای مثال، در یکی از روزهای میانی هفته، شاخص بیش از ۲۴ هزار واحد افزایش یافت که عمدتاً ناشی از رشد نمادهای بزرگ و شاخص‌ساز بود. این رشد به‌بیشتر تحت تأثیر ورود نقدینگی به چند نماد بزرگ و حمایت حقوقی‌ها شکل گرفت، نه یک روند فراگیر در کل بازار.

نقش سیاست و دلار در بازار

یکی از عوامل مهم نوسانات بازار در این هفته، تحولات سیاسی و اخبار مربوط به مذاکرات بود. بازار سهام در ایران به شدت به این اخبار حساس است و هرگونه سیگنال مثبت یا منفی می‌تواند جهت حرکت شاخص‌ها را تغییر دهد. در روزهایی که اخبار مثبت از مذاکرات منتشر شد، بازار با رشد همراه بود و در مقابل، با انتشار اخبار منفی، فشار فروش افزایش یافت. نرخ ارز نیز نقش مهمی در جهت‌دهی به بازار داشت. کاهش نسبی نرخ دلار در برخی روزها باعث شد که فشار فروش در گروه‌های صادرات‌محور افزایش یابد، در حالی که رشد مجدد دلار در روزهای پایانی هفته، تا حدی از بازار حمایت کرد.

بررسی صنایع و لیدرهای بازار

در سطح صنایع، گروه‌های فلزی، پتروشیمی و بانکی بیشترین تأثیر را بر شاخص کل داشتند. نمادهای بزرگ این گروه‌ها در برخی روزها

وقتی سرمایه بانک‌ها کافی نیست؛

ناترازی چگونه تورم را می‌شود؟



ناترازی نقدینگی؛ یعنی ناتوانی بانک در پاسخ‌گویی به تعهدات کوتاه‌مدت بدون اتکا به منابع بیرونی. دوم، ناترازی ترازنامه‌ای؛ جایی که ارزش واقعی دارایی‌ها کمتر از بدهی‌هاست، هرچند در حسابداری اسمی پنهان بماند. و سوم، ناترازی درآمدی؛ زمانی که درآمد عملیاتی بانک حتی هزینه‌های جاری و زیان‌های انباشته را پوشش نمی‌دهد.

در چنین وضعیتی، مسیر پیش روی بانک‌ها محدود می‌شود. افزایش سرمایه از محل سهامداران، به‌دلیل جذابیت پایین و زیان انباشته، دشوار است. فروش دارایی‌ها نیز به‌دلیل غیرنقدشونده بودن آن‌ها زمان‌بر و پرهزینه است. در نتیجه، ساده‌ترین و در دسترس‌ترین راه، اتکا به منابع بانک مرکزی است؛ چه در قالب اضافه‌برداشت و چه از طریق خطوط اعتباری.

از ترازنامه بانک تا تورم؛ زنجیره‌ای که گسسته نمی‌شود
یکی از خطاهای تحلیلی رایج، نگاه منفک به ناترازی بانکی و تورم است؛ گویی این دو پدیده مستقل از یکدیگرند. در حالی که تجربه سال‌های اخیر، به‌ویژه تا پایان ۱۴۰۴، نشان می‌دهد میان این دو، یک رابطه علی روشن وجود دارد.

ضعف کفایت سرمایه، بانک را به سمت ناترازی سوق می‌دهد. ناترازی، نیاز به منابع بیرونی را افزایش می‌دهد. این نیاز، در نهایت از مسیر بانک مرکزی تأمین می‌شود و نتیجه آن، افزایش پایه پولی است. رشد پایه پولی نیز با ضریب فزاینده، به رشد نقدینگی تبدیل می‌شود؛ رشدی که با وقفه زمانی، خود را در افزایش سطح عمومی قیمت‌ها نشان می‌دهد. بررسی اجزای رشد نقدینگی در سال‌های منتهی به ۱۴۰۴ نشان

ضعف کفایت سرمایه بانک‌ها موجب انتقال ریسک به بانک مرکزی شده و پیامد آن، افزایش پایه پولی و فشار تورمی بر اقتصاد تا پایان ۱۴۰۴ است.

به گزارش خبرنگار مهر، ناترازی بانک‌ها در سال‌های اخیر به یکی از پرتکرارترین مفاهیم در ادبیات اقتصادی کشور تبدیل شده است؛ مفهومی که اگرچه در ظاهر فنی و محدود به ترازنامه بانک‌ها به نظر می‌رسد، اما در عمل اثرات آن به‌طور مستقیم در سفره خانوار، قیمت کالاها و ثبات اقتصاد کلان قابل مشاهده است. داده‌ها و شواهد موجود از وضعیت نظام بانکی تا پایان سال ۱۴۰۴ نشان می‌دهد ناترازی نه یک پدیده مقطعی، بلکه نتیجه انباشت تدریجی یک ضعف بنیادین است: کاهش مزمن کفایت سرمایه بانک‌ها.

در شرایطی که بانک‌ها باید نقش ضربه‌گیر شوک‌های اقتصادی را ایفا کنند، ضعف سرمایه باعث شده این نهادها خود به منبع انتقال ریسک به کل اقتصاد تبدیل شوند. نتیجه این فرآیند، افزایش وابستگی بانک‌ها به منابع بانک مرکزی، رشد نقدینگی بدون پشتوانه و در نهایت، تشدید تورم بوده است.

کفایت سرمایه؛ ستون فراموش‌شده سلامت بانکی
کفایت سرمایه در ساده‌ترین تعریف، نسبت سرمایه بانک به دارایی‌های موزون به ریسک آن است؛ شاخصی که نشان می‌دهد بانک تا چه حد توان جذب زیان‌های احتمالی را دارد. در استانداردهای بین‌المللی، این نسبت نه‌تنها یک الزام نظارتی، بلکه پیش‌شرط ثبات مالی محسوب می‌شود.

اما بررسی گزارش‌های نظارتی و صورت‌های مالی جمعیتی شبکه بانکی تا سال ۱۴۰۴ نشان می‌دهد کفایت سرمایه در سطح کلان شبکه بانکی به‌طور معناداری پایین‌تر از سطوح ایمن قرار دارد. در برخی موارد، سرمایه واقعی بانک‌ها عملاً توان پوشش ریسک دارایی‌ها را از دست داده و ترازنامه‌ها به‌شدت ناتراز شده‌اند.

این وضعیت، حاصل یک عامل منفرد نیست. طی سال‌های گذشته، چند روند هم‌زمان باعث فرسایش سرمایه بانک‌ها شده است؛ از یک‌سو، رشد مطالبات غیرجاری و تسهیلاتی که بازگشت مؤثر نداشته‌اند، بخش مهمی از دارایی‌های بانک‌ها را به دارایی‌های کم‌کیفیت تبدیل کرده است. از سوی دیگر، ورود گسترده بانک‌ها به حوزه بنگاهداری و تملک دارایی‌های غیرنقدشونده، منابع را قفل کرده و اعطاف ترازنامه را کاهش داده است.

در کنار این موارد، رشد اسمی ترازنامه بانک‌ها بدون افزایش متناسب سرمایه، باعث شده نسبت کفایت سرمایه به‌طور پیوسته تضعیف شود. به بیان ساده، بانک‌ها بزرگ‌تر شده‌اند، اما قوی‌تر نشده‌اند.

ناترازی؛ پیامد اجتناب‌ناپذیر ضعف سرمایه
وقتی کفایت سرمایه تضعیف می‌شود، ناترازی دیگر یک احتمال نیست، بلکه یک پیامد اجتناب‌ناپذیر است. بانکی که سرمایه کافی ندارد، در برابر کوچک‌ترین شوک اقتصادی—از افزایش مطالبات معوق گرفته تا نوسان نرخ سود یا افت ارزش دارایی‌ها—دچار عدم تعادل می‌شود.

ناترازی در این شرایط، خود را در چند سطح نشان می‌دهد. نخست،

قائم‌مقام صندوق بیمه محصولات کشاورزی، گفت: سهم کشاورز با سهم دولت در پرداخت حق بیمه دو مقوله جدا است و باید جدا دیده شود که در تدوین برنامه‌ها جدا دیده نشده است.

به گزارش خبرنگار مهر، بیمه سراسری و پرخطر گندمزارهای کشور سال گذشته اجباری شد. در این راستا ابهاماتی وجود دارد که گاهی‌هایی را به دنبال داشته است.

بهزاد باباخانی، قائم‌مقام صندوق بیمه محصولات کشاورزی برای رفع چالش‌های موجود اجباری شدن بیمه گندمزارهای سراسر کشور به خبرنگار مهر، گفت: سهم کشاورز با سهم دولت در پرداخت حق بیمه دو مقوله جدا است و باید جدا دیده شود که در تدوین برنامه‌ها جدا دیده نشده است. صندوق بیمه محصولات کشاورزی در این راستا برای رفع مشکلات، پیشنهاداتی برای اصلاح دارد که در حال پیگیری است.

وی افزود: یکی از ایرادات ما به الزام بیمه گندمزارها در قانون هفتم پیشرفت این است که اعتبار آن یعنی سهم دولت باید مشخص باشد. حق بیمه سهم دولت از قبل در بند «ب» ماده ۱۱ قانون بودجه وجود دارد؛ امسال هم ۱۰۰ درصد رشد کرده بود. اما در اجرای بیمه سراسری گندمزارهای کشور بر اساس تکلیف قانون برنامه هفتم، صندوق با مسئله سهم کشاورز دچار مشکل شده است. یکی از ایراداتی هم که هیئت تطبیق قوانین مجلس شورای اسلامی وارد کرده بود همین مسئله است.

وی افزود: سهم کشاورز با سهم دولت دو مقوله جدا بوده و باید جدا دیده شود که در قانون بودجه ۱۴۰۴ اینگونه نشد.

وی ادامه داد: ما به دنبال افزایش اعتبارات برای افزایش سهم دولت در بیمه گندمزارها هستیم.

این مسئول دولتی تصریح کرد: ما برای اصلاح این وضعیت ۲ پیشنهاد مشخص به کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی ارائه دادیم که آنها

را بررسی کند. نخست، یک استفساریه است تا در قالب آن اولاً، تکلیف این بند قانونی را مجلس خودش برای ما مشخص کند؛ زیرا یک بار سهم بیمه کشاورز از محل مطالبات کشاورز نوشته شده که برداشت شود، و یک بار هم از محل اعتبار ردیف خرید تضمینی گندم.

وی با بیان اینکه به دنبال این هستیم تا تمام مشکلات سال اول اجرای بیمه گندمزارها را حل کنیم تا به سال‌های آینده تسری پیدا نکند، ادامه داد:

یکی دیگر از اقدامات مربوط به شورای قیمت‌گذاری و اتخاذ سیاست‌های حمایتی محصولات اساسی کشاورزی بود که شخص وزیر جهاد کشاورزی به عنوان رئیس شورای قیمت‌گذاری خیلی محکم از این موضوع حمایت کرد. باباخانی اضافه کرد: این حمایت به صورت یک تبصره به قیمت گندم اضافه شد؛ اینکه حق بیمه سهم کشاورز از محل اعتبار خرید تضمینی و از منابعی که در سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها وجود وجود دارد، توسط دولت پرداخت شود. به این ترتیب، این تبصره به مصوبات شورای قیمت‌گذاری گندم اضافه شده است.

وی یادآور شد: صندوق بیمه محصولات کشاورزی برای اینکه موضوع دچار چالش نشود، موضوع را دوباره به شکل مکتوب به کمیسیون کشاورزی اعلام کرد که حق بیمه سهم کشاورز هم در محصول گندم اضافه شود و در جدول مربوط به یارانه گندم و آرد و نیز اعتبارات خرید تضمینی گندم درج شود. در نتیجه، با توجه به مصوبه شورای قیمت‌گذاری، حق بیمه سهم کشاورز هم باید از سوی دولت پرداخت شود.

رشد ۵۰ درصدی بیمه پایه
قائم‌مقام صندوق بیمه محصولات کشاورزی درباره اقدامات در دست انجام دومین سال بیمه سراسری گندمزارها، اظهار کرد: به این ترتیب، مشکل بیمه اجباری و بیمه پایه گندمزارها با پرداخت از سوی دولت حل می‌شود با این تفاوت که سطح تعهد را با تمام این مضیق‌هایی که داشتیم

سهم کشاورز از حق بیمه حذف شد

بازنگری در بیمه گندمزارها

در بیمه پایه ۵۰ درصد رشد دادیم؛ یعنی ۳ میلیون تومان گندم دیم به ۴.۵ میلیون تومان و ۱۰ میلیون تومان گندم آبی به ۱۵ میلیون تومان افزایش یافت.

وی اظهار کرد: در سال دوم اجرای برنامه، قرار نیست در بیمه پایه کشاورز مبلغی بابت حق بیمه سهم کشاورز پرداخت کند با استناد به مصوبه شورای قیمت‌گذاری و کلمه «حق بیمه» که در قانون بودجه درج می‌شود.

پیشنهاد ۳ سطح بیمه ارتقای برای گندم
این مسئول دولتی اضافه کرد: همچنین برای رفع دغدغه‌ها در خصوص سطح پایین تعهدات نسبت به خسارات کشاورزی، علاوه‌بر آن بیمه پایه‌ای که قرار است بیمه‌اش را دولت تقبل کند، برای هر حوزه گندم دیمی و آبی ۳ سطح بیمه ارتقای هم تعریف شد؛ زیرا ما در صندوق می‌دانیم هزینه تمام شده کشت برای کشاورز مبلغ بالایی است و سطح تعهد صندوق نسبت به این عدد پایین است.

باباخانی ادامه داد: در کنار هزینه تمام شده، موضوع ارزش روز گندم هم مطرح است. مثلاً اگر کشاورز به طور میانگین ۱۵ تن گندم در هر هکتار برداشت داشت و دچار خسارت نمی‌شد، درآمدش ۴۰ میلیون تومان بود. وی گفت: صندوق بیمه محصولات اساسی کشاورزی با لحاظ کردن این موارد سعی کرد ۳ سطح تعهد ارتقای دیگر هم اضافه کند؛ با این تفاوت که در بیمه پایه، دولت سهم حق بیمه کشاورز را می‌پردازد ولی در بیمه‌های ارتقای، کشاورز باید متناسب با ضرایب خطری که در منطقه کشت وجود دارد، بیمه ارتقای را خریداری کند. مناطقی که ضریب خطر آن پایین است حق بیمه آن پایین خواهد بود و مناطق ریسک‌پذیر با احتمال خسارت بالا، حق بیمه باید منطبق با قوانین بیمه‌ای محاسبه شود.

قائم‌مقام صندوق بیمه محصولات کشاورزی با تأکید بر اینکه کارشناسان صندوق میانگین عملکرد ۱۰ ساله محصولات هر منطقه را احصا کرده‌اند،

می‌اندازد و هزینه آن در قالب تورم به کل جامعه منتقل می‌شود. او تأکید می‌کند که تجربه سال ۱۴۰۴ به‌روشنی نشان داده کنترل پایدار تورم بدون اصلاح ساختار سرمایه بانک‌ها امکان‌پذیر نیست. وقتی بانک‌ها با کفایت سرمایه پایین فعالیت می‌کنند، عملاً توان جذب زیان ندارند. در چنین شرایطی، هر شوک کوچک اقتصادی—از افزایش مطالبات معوق گرفته تا زیان عملیاتی—به‌جای آنکه توسط سرمایه بانک جذب شود، به بانک مرکزی منتقل می‌شود.

به گفته سعدوندی، این انتقال ریسک دقیقاً همان نقطه‌ای است که ناترازی بانکی به تورم گره می‌خورد. بانکی که سرمایه کافی ندارد، برای تأمین نقدینگی به اضافه‌برداشت یا خطوط اعتباری متوسل می‌شود. این یعنی افزایش پایه پولی. پایه پولی هم با یک وقفه زمانی، خود را در رشد نقدینگی و سپس تورم نشان می‌دهد.

وی معتقد است ما با تورمی مواجه هستیم که بخش قابل توجهی از آن، تورم نهادی و ساختاری است. این تورم از دل ناترازی نظام بانکی بیرون می‌آید و تا زمانی که این ناترازی اصلاح نشود، با سیاست‌های کوتاه‌مدت مهار نخواهد شد.

سعدوندی با اشاره به اثرات توزیعی این نوع تورم می‌گوید: تورمی که از ناترازی بانکی ناشی می‌شود، یک مالیات پنهان است. این مالیات به‌صورت نابرابر اخذ می‌شود؛ حقوق بگیران، بازنشستگان و دهک‌های پایین درآمدی بیشترین آسیب را می‌بینند، در حالی که منشأ تورم در ترازنامه بانک‌ها پنهان مانده است.

این اقتصاددان معتقد است تمرکز صرف بر کنترل رشد ترازنامه یا محدودیت‌های اعتباری، بدون حل مسئله سرمایه، نمی‌تواند این چرخه را متوقف کند. تا زمانی که کفایت سرمایه بانک‌ها به سطح قابل قبول نرسد، بانک مرکزی ناچار است برای جلوگیری از بحران، نقدینگی تزریق کند و این یعنی بازتولید تورم. اصلاح واقعی از افزایش سرمایه، شفاف‌سازی دارایی‌ها و پذیرش زیان‌های انباشته آغاز می‌شود.

به گفته او، اگرچه اصلاح کفایت سرمایه هزینه‌بر و زمان‌بر است، اما عدم اصلاح آن، هزینه‌ای به‌مراتب سنگین‌تر به اقتصاد تحمیل می‌کند. ما یا باید هزینه اصلاح نظام بانکی را امروز بپردازیم، یا هزینه تورم مزمن را سال‌ها از جیب مردم برداشت کنیم. تجربه ۱۴۰۴ نشان می‌دهد مسیر دوم، اقتصاد را فرسوده‌تر می‌کند.

اصلاح از کجا باید آغاز شود؟
ناترازی بانک‌ها را نمی‌توان با راه‌حل‌های کوتاه‌مدت یا تمرکز بر چند نهاد خاص برطرف کرد. این پدیده، نتیجه یک ضعف سیستمی است که در مرکز آن، کفایت سرمایه قرار دارد. تا زمانی که بانک‌ها با سرمایه ناکافی فعالیت می‌کنند، ریسک آن‌ها ناگزیر به ترازنامه بانک مرکزی منتقل می‌شود و تورم به‌عنوان پیامد نهایی، تداوم خواهد داشت. اصلاح این وضعیت، نیازمند مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ است: افزایش واقعی سرمایه، شفاف‌سازی کیفیت دارایی‌ها، محدود کردن بنگاهداری، کاهش اتکای ساختاری اقتصاد به منابع بانکی. بدون این اصلاحات، ناترازی بانکی همچنان یکی از ریشه‌های اصلی تورم در اقتصاد ایران باقی خواهد ماند؛ حتی اگر در مقطعی، با سیاست‌های کنترل‌ی موقت مهار شود.

تصریح کرد: در صندوق روستا به روستا از طریق سامانه‌ها ضرایب خطر به دست آمده زیرا در سنوات گذشته این مزارع بیمه شده بودند. بنابراین، بانک اطلاعاتی دقیق نسبت به ضریب خطر روستاها، شهرستان‌ها و استان‌های کشور نزد صندوق موجود است.

باباخانی درباره هزینه ۳ سطح بیمه ارتقای توضیح داد: کشاورزان برای بیمه ارتقای سطح یک (۱) گندم ۷.۵ میلیون تومان، سطح دو (۲) ۹ میلیون تومان و سطح سه (۳) ۱۰۵ میلیون تومان به ازای هر هکتار می‌پردازند.

وی با بیان اینکه این امر اختیاری است و اجباری در آن نیست، ادامه داد: یک گندم‌کار می‌تواند فقط به بیمه پایه که از سوی دولت پرداخت می‌شود بسنده کند و هیچ بیمه‌نامه‌ای دیگر خریداری نکند؛ اما پیشنهاد صندوق این است که با توجه به ریسک‌های زیادی که در کشت گندم در کشور وجود دارد و انتظاری که نسبت به سطح تعهد بیمه‌ای داریم کشاورزان می‌توانند به تناسب و توان مالی‌شان یکی از این ۳ سطح بیمه ارتقای را خریداری کنند. این اعداد تقریباً نزدیک به ۷۰ درصد هزینه‌ها را پوشش می‌دهد.

قائم‌مقام صندوق بیمه محصولات کشاورزی اظهار کرد: صندوق به دنبال این است که به تدریج سطح تعهدات را بالا ببرد؛ زیرا برای پوشش کامل خسارات، منابع زیادی نیاز است. چنین تعهداتی شاید به حدود ۲۰۰ هزار میلیارد تومان (هفت) اعتبار نیاز داشته باشد؛ در نتیجه باید تدریجی انجام شود. وی تأکید کرد: از همین‌رو، امسال در کنار بیمه پایه رایگان که ۵۰ درصد بیمه ارتقا، ۳ سطح از بیمه ارتقای هم تعریف شد که جبران خسارت را نه به ارزش موضوع بلکه به هزینه تمام شده کشت نزدیک‌تر کند. به عنوان مثال، اگر کشاورزی سطح ۳ را خریداری کند ۴.۵ میلیون تومان را دولت در بیمه پایه رایگان از قبل پذیرفته که بپردازد و ۶ میلیون تومان را خود گندم‌کار باید پرداخت کند.

بازار خودرو امروز در نقطه‌ای قرار گرفته که تصمیمات سیاست‌گذار می‌تواند مسیر آن را به‌طور کامل تغییر دهد. افزایش قیمت کارخانه‌ای، کاهش عرضه، وابستگی به نرخ ارز و کاهش قدرت خرید، همگی عواملی هستند که آینده این بازار را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

قیمت روز خودروهای داخلی در حال حاضر بیش از هر زمان دیگری به متغیرهای کلان اقتصادی وابسته شده است و همین موضوع باعث شده پیش‌بینی این بازار دشوارتر از گذشته باشد.

در چنین شرایطی، بازار خودرو نه در مسیر رشد پایدار قرار دارد و نه در مسیر کاهش واقعی؛ بلکه در میانه یک تعادل شکننده حرکت می‌کند، تعادلی که هر لحظه ممکن است با یک خبر سیاسی یا اقتصادی بر هم بخورد.

برای مشاهده قیمت روز خودرو به صفحه قیمت خودرو در فرصت امروز مراجعه کنید.

بازار خودرو در آستانه موج جدید گرانی یا رکود سنگین

چشم‌انداز بازار خودرو؛ افزایش یا اصلاح؟

با توجه به شرایط فعلی، آینده بازار خودرو به چند متغیر کلیدی وابسته است:

نرخ ارز و نتیجه مذاکرات
سیاست قیمت‌گذاری دولت
میزان عرضه خودروسازان
وضعیت تورم عمومی اقتصاد
اگر روند فعلی ادامه پیدا کند، احتمال افزایش تدریجی قیمت‌ها وجود دارد. اما اگر شوک مثبت سیاسی یا کاهش نرخ ارز رخ دهد، بازار می‌تواند وارد فاز اصلاح کوتاه‌مدت شود.

با این حال، تجربه نشان داده که در بلندمدت، قیمت خودرو همگام با تورم رشد کرده و کاهش پایدار قیمت‌ها در این بازار بسیار بعید است.

جمع‌بندی؛ بازار خودرو در آستانه یک تصمیم مهم

همراه است.

رکود معاملات؛ بازار در حالت انتظار

یکی از نشانه‌های مهم وضعیت فعلی بازار، کاهش محسوس معاملات است. نمایندگان بازار خودرو از کاهش مراجعه مشتریان و افت خرید و فروش خبر می‌دهند.

این رکود ناشی از چند عامل است: افزایش قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید
ابهام در آینده بازار و مذاکرات
انتظار برای کاهش قیمت‌ها
سیاست‌های متغیر دولت
این عوامل باعث شده بازار خودرو به نوعی در حالت «فریز» قرار بگیرد؛ جایی که نه فروشندگان حاضر به کاهش قیمت هستند و نه خریداران عجله‌ای برای خرید دارند.

مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای استان مرکزی خبر داد:

نیاز به اعتبار ۲۵ هزار میلیارد ریالی برای تکمیل طرح انتقال آب به ساوه



کرد: مرحله نخست این طرح به طول ۱۵ کیلومتر در فروردین سال جاری به بهره‌برداری رسید و مرحله دوم آن نیز تا پایان آذرماه تکمیل شد و هم‌اکنون آب از چهار حلقه چاه منطقه محمودآباد از طریق این خط به شهر ساوه منتقل می‌شود.
اسدی با اشاره به وضعیت سد الغدیر ساوه، که اصلی‌ترین منبع تأمین آب این شهر است، تصریح کرد: سد الغدیر ساوه با گنجایش ۲۷۷ میلیون مترمکعب، در حال حاضر دارای ۱۷۸ میلیون مترمکعب آب است. این در حالی است که در همین مقطع زمانی در سال گذشته، ذخیره سد ۱۲۵٫۵ میلیون مترمکعب بوده



خواهشم این است که ردیف‌های بودجه و اقدامات انجام‌شده به صورت رسمی و

بزد به سوی اقتصادی پایدار در مسیر توسعه شهری

هدف گذاری ۱۵ همت در آمد پایدار شهرداری بزد از طرح‌های مشارکتی و سرمایه‌گذاری مردمی



اشتراکی، پارک وسایل نقلیه سبک، مجتمع سینمایی، مجموعه گردشگری تجاری و پروژه‌های فرهنگی تبلیغاتی، با مجموع سرمایه‌ای چند هزار میلیارد ریالی، سهمی چشمگیر در جریان سرمایه‌سازی شهری دارند.

تحلیل های فنی و عمیق :

اول: اقتصاد شهری و مفهوم در آمد پایدار

بزد به‌عنوان یکی از شهرهای تاریخی ایران، با رویکرد تازه مدیریت شهری در استفاده از ظرفیت سرمایه‌گذاری مردمی، مسیر پایداری را برای تأمین منابع مالی بر گزیده است. مفهوم «درآمد پایدار» به این معناست که شهرداری بدون اتکا به فروش دارایی‌های عمومی، از مشارکت بخش خصوصی، خدمات شهری و بهره‌وری درایی‌های موجود، درآمد مستمر ایجاد کند. در این مدل، هر پروژه به یک منبع دائمی درآمد تبدیل می‌شود؛ از پارک‌ها و پل‌ها گرفته تا مراکز فرهنگی و گردشگری. سازمان سرمایه‌گذاری شهرداری بزد توانسته این مفهوم را به عمل نزدیک کند و ساختار اقتصادی شهرداری را به سمت پایداری واقعی پیش ببرد.

دوم: نقش پروژه‌های مشارکتی در توسعه شهری

پروژه‌های مشارکتی نظیر احداث پل‌های عابر پیاده، پارکینگ طبقاتی، مجموعه‌های تجاری، آموزشی و فرهنگی، نه تنها زیرساخت‌های شهری را تقویت کرده‌اند، بلکه چهره را نیز مدرن تر ساخته‌اند. این پروژه‌ها با مشارکت سرمایه‌گذاران بخش خصوصی، ضمن خلق اشتغال، ارزش افزوده عمرانی ایجاد



مسائلی مانند جفر جاه‌های غیرمجاز، قطع شدن حقایه تالاب، خشکسالی‌های اخیر و غیره در کنار فعالیت معدن بر اکوسیستم منطقه اثر گذار است.
مدیر کارخانه معدنی املاح ایران تأکید کرد: با افزایش ظرفیت تولید و بهره‌برداری از پروژه ید، برنامه‌ریزی برای توسعه صادرات در دستور کار قرار دارد و در آینده نزدیک ظرفیت صادراتی شرکت افزایش خواهد یافت.
شاه کریمی اضافه کرد: با این حال، فعالیت‌های معدنی به‌طور طبیعی با برخی آثار زیست محیطی همراه است که شرکت تلاش کرده با همکاری دستگاه‌های اجرایی، منابع طبیعی، دانشگاه‌ها، استانداری و فرمانداری، این آثار را به حداقل برساند.



اراک- فرناز امید: مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای استان مرکزی گفت: مجموع اعتبار طرح انتقال آب از سد کوچری به ساوه، ۳۵ هزار میلیارد ریال است که ۱۰ هزار میلیارد ریال آن تأمین و اکنون برای تکمیل طرح ۲۵ هزار میلیارد ریال اعتبار نیاز است.
حسین اسدی در نشست خبری در ساوه و بازدید از سد الغدیر ساوه و خط انتقال آب از سد کوچری افزود: استان مرکزی سال به سال شاهد کاهش مستمر بارش‌ها بوده و اکنون رسماً وارد ششمین سال پیاپی خشکسالی شده‌ایم، با توجه به گذشت حدود پنج ماه از سال آبی باید اعلام کنیم که امسال تابستان بسیار سختی را پیش رو داریم. وی بیان کرد: پروژه انتقال آب به ساوه بزرگ‌ترین طرح آبی استان از نظر اهمیت و اعتبار است که به عنوان مهم‌ترین طرح تأمین آب شرب استان با هدف مدیریت بحران آبی در دستور کار قرار گرفته است.
مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای استان مرکزی گفت: این طرح بخشی از طرح انتقال آب از حوضه‌های مجاور به استان مر کزی است که از طریق تصفیه‌خانه ۲۲ هکتار دلیجان، آب تصفیه‌شده را با دبی ۴۴۴ لیتر بر ثانیه به شهر ساوه منتقل می‌کند.
اسدی افزود: طول خط انتقال این طرح ۱۳۱ کیلومتر است که با توجه به محدودیت‌های اعتباری، طی سال‌های گذشته تنها ۳۲ کیلومتر از آن اجرا شده بود. اما در سال ۱۴۰۳ با پیگیری مسئولان استانی، ۳۵ کیلومتر بآبانی این طرح به عنوان طرح اضطراری در دستور کار قرار گرفت، وی خاطرنشان

کرج – ایاصلت عابد: رییس کمیسیون حقوقی و نظارت شورای اسلامی شهر کرج با تأکید بر شفافیت در هزینه‌کرد بودجه فرهنگی، خواستار ارائه گزارش کامل ردیف‌های بودجه و همکاری با دستگاه‌های متولی شد و پیشنهاد کرد، هرگونه افزایش بودجه فرهنگی با مشارکت حداقل ۵۰درصدی دستگاه‌های مرتبط اجرایی شود.
جواد چرچدار در جریان بررسی بودجه پیشنهادی سال ۱۴۰۵ شهرداری در کمیسیون تلفیق با اشاره به عملکرد سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری کرج اظهار کرد: همان‌طور که پیش‌تر نیز مطرح شد، لازم است گزارش ارائه شود تا مشخص شود در مجموع چه میزان از بودجه مناطق، اماکن و سازمان‌ها صرف امور فرهنگی شده است.
رییس کمیسیون حقوقی و نظارت شورای اسلامی شهر کرج افزود: در بودجه سال جاری، علاوه بر ردیف‌های اختصاصی فرهنگی، لایح و اقداماتی نیز تعین نبشده که همکاری با دستگاه‌های دیگر را شامل می‌شود.

ببزد – سید محمد جواد عرفان فسر ؛ رئیس سازمان سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های مردمی شهرداری بزد از هدف گذاری ایجاد حدود ۱۵ همت درآمد پایدار از محل اجرای پروژه‌های شهری خبر داد و گفت: سازمان سرمایه‌گذاری با اجرای طرح‌های مشارکتی از ایجاد پل‌های عابر پیاده تا تأمین وسایل بازی پارک‌ها، جهشی تازه را در مسیر درآمدزایی پایدار شهرداری رقم زده است.
جمعی از اصحاب رسانه استان بزد در قالب طرح «توبیوس خبر» شهرداری بزد از پروژه‌های سازمان سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های مردمی و همچنین پروژه‌های فرهنگی، ورزشی و اجتماعی بازدید کردند. این بازدید فرصتی بود تا تازه‌ترین اقدامات بزد در حوزه جذب سرمایه، توسعه شهری و خلق منابع درآمدی پایدار مرور شود.
محمدرضا نیکونژاد، رئیس سازمان سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های مردمی شهرداری بزد، با اشاره به زمان آغاز فعالیت این سازمان در اوایل سال ۱۳۹۶ گفت: این سازمان به‌عنوان یکی از ده سازمان فعال شهرداری مأموریت دارد بستر اجرای پروژه‌های مشارکتی با سرمایه‌گذاران را فراهم کرده و از طریق فراخوان‌های عمومی، سرمایه بخش خصوصی را وارد چرخه توسعه شهری کندوی افزود: تاکنون ۱۳ پل عابر پیاده در نقاط مختلف بزد در قالب طرح‌های مشارکتی احداث شده است که در زمان عقد قرارداد اعتباری بالغ بر ۷۰ میلیارد تومان داشت و اگر با شاخص‌های امروز محاسبه شود، این مبلغ بیش از ۱۲۰ میلیارد تومان ارزش دارد.
این دستاورد، نمونه‌ای بارز از کارآمدی رویکرد «درآمد پایدار از منابع مردمی» است؛ رویکردی که هدف بزرگ آن دستیابی به ۱۵ همت درآمد پایدار برای شهرداری بزد عنوان شده است.نیکونژاد توسعه سرمایه‌گذاری در بخش‌های متنوع شهری را یکی از راهبردهای اصلی شهرداری دانست و گفت: بخشی از مسئولیای بازاری و تجهیزات پارک‌های سطح شهر، نظیر چرخ و فلک و سازه‌های پارک بازی نیز از طریق همین قراردادهای مشارکتی تأمین و اجرا شده‌اند که مجموع آن به ارزش بیش از ۷۰ میلیارد تومان برآورد می‌شود.
به گفته وی، پروژه‌های مشارکتی نه‌تنها بخش خصوصی را وارد عرصه خدمت‌رسانی به شهر کرده‌اند، بلکه زمینه‌ساز تحول در مدل درآمدی شهرداری و کاهش وابستگی به منابع پایدار همچون عوارض واگذاری زمین و صدور پروانه ساخت شده است.
همچنین در بوسترهای معرفی پروژه‌ها سرمایه‌گذاری بزد، طرح‌هایی نظیر مجتمع فرهنگی آموزشی، سیستم دوچرخه

اراک – فرناز امید: مدیر کارخانه معدنی املاح گفت: تولیدات امسال کارخانه معدنی املاح ایران به ۱۸۰ هزار تن رسیده که از این میزان، ۱۲۵ هزار تن در اراک و مابقی در گرمسار تولید شده است.
محمد شاه‌کریمی در نشست خبری با اصحاب رسانه بیان داشت: ۸۵درصد نیاز سولفات سدیم کشور از طریق کارخانه املاح تولید می‌شود. این شرکت علاوه بر تأمین بخش زیادی از سولفات سدیم بازار داخل، بخشی از محصولات خود را نیز صادر می‌کند و تولیدات امسال این واحد صنعتی به ۱۸۰ هزار تن رسیده که از این میزان، ۱۲۵ هزار تن در اراک و مابقی در گرمسار تولید شده است.
وی ادامه داد: شرکت معدنی املاح ایران با‌عنوان یک شرکت بورسی، صورت‌های مالی شفاف و سودآوری قابل توجهی داشته و توانسته است بخش عمده‌ای از نیاز کشور در حوزه محصولات معدنی را تأمین کند.
مدیر کارخانه معدنی املاح ایران گفت: با اشاره به عملکرد صادراتی شرکت در سال ۲ گذشته گفت: این شرکت به دلیل رشد صادرات و حضور در بازارهای هدف، به‌عنوان شرکت نمونه صادراتی انتخاب شده و روند صادرات در کرلید کلسیم و نمک همچنان ادامه دارد.
شاه کریمی افزود: به جرئت می‌گویم ما در بخش صنعتی یک صنعت سبز هستیم؛ زیرا در فرایند تولید کارخانه از هیچ ماده شیمیایی استفاده نمی‌شود و عملیات کاملاً فیزیکی است. اما در این معدن همچون سایر معادن، برداشت‌ها بر مجموعه محدوده تالاب تأثیر گذار است، اما همه آسیب‌ها متوجه شرکت املاح نیست و

دیدار مدیرعامل شرکت توزیع برق مازندران با خانواده "سیمیان شهید محمدی" در قائمشهر

ساری – دهقان : مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق مازندران با حضور در منزل شهید بهرام محمدی، از سیمیانان فداکار صنعت برق، با خانواده این شهید و الا مقام دیدار و گفتگو کرد.

به گزارش خبرنگار مازندران، مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق مازندران، مهندس حسینی کارنامی، مدیرعامل این شرکت، به همراه مدیر دفتر روابط عمومی و مدیر امور برق قائمشهر، به منظور پاسداشت مقام شامخ شهدای عرصه خدمت، با پدر و مادر شهید بهرام محمدی دیدار کردند.

در این دیدار، مهندس حسینی کارنامی ضمن تجلیل از ایثار گری و

اخبار

آغاز اجرای دو پروژه ترمیم و روکش آسفالت راه‌های روستایی شهرستان صومعه‌سرا

رشت _ زهرارضا زاده : مهدی علی‌اکبری، معاون فنی و راه‌های روستایی اداره‌کل راه‌داری و حمل‌ونقل جاده‌ای استان گیلان از آغاز اجرای دو پروژه ترمیم، لکه‌گیری و روکش آسفالت راه‌های روستایی در شهرستان صومعه‌سرا خبر دادوی با اعلام این خبر گفت: «پروژه‌های ترمیم و روکش آسفالت محورهای روستایی کسمابه به آب‌تر و شفت‌محله به اسقن‌سر به طول مجموع ۳ کیلومتر با اعتباری بالغ بر ۱۵۰ میلیارد ریال از محل منابع ملی سازمان راه‌داری و حمل‌ونقل جاده‌ای آغاز شده و هم‌اکنون در دست اجرا است.»
معاون فنی و راه‌های روستایی اداره‌کل راه‌داری و حمل‌ونقل جاده‌ای گیلان با اشاره به اهمیت این پروژه‌ها افزود: «با بهره‌برداری از این عملیات، بیش از یک‌هزار خانوار روستایی از مسیرهای ایمن و مناسب برخوردار خواهند شد و نقش مؤثری در افزایش ایمنی تردد، تسهیل عبور و مرور و بهبود سطح خدمات‌رسانی به ساکنان منطقه خواهد داشت.»
علی‌اکبری در پایان تأکید کرد: «توسعه و بهسازی راه‌های روستایی به‌عنوان یکی از اولویت‌های اصلی اداره‌کل راه‌داری و حمل‌ونقل جاده‌ای استان گیلان، با جدیت و براساس برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده در سطح شهرستان‌ها در حال اجرا است.

تداوم نهضت آسفالت در منطقه ۷/ بهسازی معابر با اولویت محلات پر تردد کرج – ایاصلت عابد: مدیر منطقه ۷ شهرداری کرج از استمرار عملیات گسترده آسفالت و بهسازی معابر اصلی و فرعی این منطقه در قالب طرح نگهداشت شهر خبر داد.
حجت‌اله عزیزی مدیر منطقه ۷ شهرداری کرج گفت: عملیات ترشش و روکش آسفالت بر اساس اولویت‌بندی کارشناسی و میزان فرسودگی معابر در حال اجراست و این روند تا رسیدن به شرایط مطلوب و استاندارد ادامه خواهد داشت.
عزیزی با تأکید بر اینکه معابر پر تردد، مسیرهای منتهی به مراکز خدماتی، آموزشی و شهربان‌های اصلی در اولویت قرار دارند، افزود: تاکنون بخش قابل توجهی از معابر منطقه مرمت و بازسازی شده و با بسج امکانات، تجهیزات و نیروهای اجرایی، تلاش داریم کیفیت تردد شهروندان به شکل محسوسی ارتقا یابد.
مدیر منطقه ۷ در تشریح جزئیات عملیات انجام‌شده گفت: روکش آسفالت شهرک چهارآب به متر ۳۵۰۰ متر و با مصرف ۴۰۰ تن آسفالت در حال اجراست. همچنین زیرسازی نوار حفاری گاز در خیابان مطهری، لکه‌گیری سنگفرش خیابان چهارم اصلی، ترمیم حفاری اداره برق در خیابان لوافقی و لکه‌گیری نوار حفاری گاز در خیابان ۱۲ فروردین جنوبی از دیگر اقدامات اجرایی در این حوزه به شمار می‌رود.
این مسئول با اشاره به نقش مشارکت شهروندان خاطرنشان کرد: همکاری و همراهی ساکنان محلات در تسهیل روند اجرای پروژه‌ها بسیار مؤثر است و امیدواریم با تدویم این اقدامات، سطح رضامندی عمومی در منطقه افزایش یابد.
عزیزی در پایان تأکید کرد: عملیات آسفالت و بهسازی معابر به‌صورت مستمر و طبق برنامه زمان‌بندی در سایر نقاط نیازمند نرمت نیز ادامه خواهد داشت.

گلستان با وجود ظرفیت کشاورزی، در انتهای جدول اشتغال و در آمد سرانه

گرگان -نادر کریمی-رئیس اتاق بازرگانی گرگان، در نشست همدییشی فعالان اقتصادی استان گلستان با حسن‌پور، رئیس سازمان بسیج فعالان اقتصادی و اصناف کشور، وضعیت اقتصادی استان را تشریح کرد و بر ضرورت همراهی دستگاه‌های اجرایی با بخش خصوصی برای حفظ اشتغال و توسعه اقتصادی تأکید نمود.مدیر یوسفی در این نشست با اشاره به سفر اخیر جمه‌ور به استان گفت: با وجود ظرفیت‌های گلستان در حوزه کشاورزی و نقش استان در تأمین امنیت غذایی کشور، شاخص‌های اشتغال و در آمد سرانه مردم در انتهای جدول کشور قرار دارد که جای تأسف دارد. وی افزود: بسیاری از نیروهای کلر استان مجبورند، روزانه مسافت‌های طولانی تا استان‌های همجوار را طی کنند، زیر افرصت‌های شغلی کافی در گلستان فراهم نیست.رئیس اتاق بازرگانی گرگان با بیان اینکه استان در تولید محصولاتی مانند مرغ، گندم و دانه‌های روغنی جزو برترین‌هاست، تصریح کرد: با این وجود، بخش صنعتی استان مورد غفلت قرار گرفته و روند طولانی دریافت تسهیلات بانکی و برخی تصمیمات ناگهانی فعالان اقتصادی را دلدسر کرده است.وی اشتغال را مهم‌ترین سد مقابل بروز فساد و آسیب‌های اجتماعی دانست و تأکید کرد: دستگاه‌های مرتبط باید در کنار بخش خصوصی باشند تا فرصت‌های اشتغال حفظ شود و واحدهای تولیدی تعطیل نشوند.یوسفی از همکاری برخی مسئولان استانی در حمایت از واحدهای تولیدی تقدیر کرد و گفت: هر زمان که بخش خصوصی با مانع مواجه شده، این مسئولان نهایت همکاری را داشته‌اند.وی همچنین بر رفع مانع پروژه‌های توسع‌ای از جمله منطقه آزاد، زیرساخت‌های حمل‌ونقل و شهرک‌های صنعتی تأکید و اظهار داشت: همه نهاده‌او دستگاه‌های حوزه‌خدا را در مسیر مشترک حمایت از تولید، حفظ اشتغال و توسعه اقتصادی ببینند.در پایان، رئیس اتاق بازرگانی گرگان با اشاره به انتصاب رئیس جدید جیجمن ملی سبب‌زمنی، بر اهمیت حضور فعالان اقتصادی استان در کرسی‌های ملی برای برداشتن موانع توسع‌ای و تقویت ظرفیت‌های اقتصادی گلستان تأکید کرد.

رئیس اتاق بازرگانی گرگان:

امنیت سرمایه‌گذاری و ثبات سیاستی، مطالبه جدی بخش خصوصی

گرگان -نادر کریمی-رئیس اتاق بازرگانی گرگان در نشست همدییشی رئیس‌جمهور با سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی گلستان، با تشریح ظرفیت‌های راهبردی استان، بر ضرورت جبران تبعات حذف ارز ترجیحی، تقویت زیرساخت‌های صادراتی و بهره‌یز از تصمیمات خلق‌الساعه تأکید کرد.مدیر یوسفی، با اقدردانی از حضور رئیس‌جمهور در جمع فعالان بخش خصوصی، اظهار داشت: گلستان با برخورداری از ظرفیت‌های گسترده در کشاورزی، دامپروری، صنایع وابسته، گردشگری و تجارت خارجی، توان تبدیل شدن به یکی از پیشران‌های اقتصاد ملی را دارد؛ مشروط به آنکه سبسترهای حمایتی و ثبات در سیاست‌گذاری‌ها فراهم شود.وی با اشاره به سیاست حذف ارز ترجیحی افزود: حرکت به سمت واقعی‌سازی قیمت‌ها اقدامی ضروری در مسیر اصلاحات اقتصادی بود، اما آثار این تصمیم، به‌ویژه در بخش کشاورزی و دام و طیور، فشار قابل توجهی بر تولیدکنندگان وارد کرده است، از این‌رو اجرای حمایت‌های تکمیلی هم‌زمان با اصلاحات، برای حفظ پایداری تولید ضروری است.یوسفی با تأکید بر اهمیت محصولات استراتژیک استان تصریح کرد: تعیین قیمت‌های تضمینی خرید محصولات کشاورزی، به‌ویژه گندم، باید متناسب با هزینه‌های واقعی تولید باشد. همچنین تقویت بیمه محصولات کشاورزی و توسعه زیرساخت‌های ذخیره‌سازی و صنایع تبدیلی می‌تواند از خام‌فروشی جلوگیری کرده و ارزش افزوده بیشتری برای استان ایجاد کند.رئیس اتاق بازرگانی گرگان در ادامه به چالش‌های بخش صنعت اشاره کرد و گفت: واحدهای صنعتی استان، به‌خصوص در حوزه فرآوری محصولات کشاورزی، با کمبود سرمایه در گردش و افزایش هزینه‌های تولید مواجه‌اند. ثبات مقررات، دسترسی به تسهیلات بانکی با نرخ منطقی و پیش‌بینی مشوق‌های هدفمند، نقش مؤثری در حفظ اشتغال و افزایش سرمایه‌گذاری خواهد داشت.وی در کد نسیی در بخش ساخت‌وساز را از دیگر دغدغه‌های اقتصادی استان دانست و اظهار کرد: تسریع در صدور مجوزها، استفاده از ابزارهای نوین تأمین مالی و حمایت از انبوه‌سازان می‌تواند به رونق این بخش و تقویت اشتغال کمک کند. یوسفی با اشاره به ظرفیت‌های گردشگری گلستان خاطرنشان کرد: جنگل‌های هیرکانی، سواحل خزر، پارک ملی گلستان و تنوع قومی و فرهنگی، ظرفیت کم‌ظئیری برای توسعه گردشگری است؛ اما اگر به سرمایه‌گذاران در زیرساخت‌ها و ارائه مشوق‌های مالیاتی، می‌تواند به منبعی پایدار برای اشتغال و رزآوری تبدیل شود.وی همچنین با تأکید بر جایگاه راهبردی استان در حوزه تجارت خارجی گفت: منطقه آزاد انزلیچهرن و اتصال ریلی گلستان به آسیای میانه و چین، فرصتی مهم برای توسعه صادرات غیرنفتی است. تقویت زیرساخت‌های گرم‌کری، تسهیل فرآیندهای صادراتی و ثبات در سیاست‌های ارزی، سهم استان را در بازارهای منطقه‌ای افزایش خواهد داد.

گام بلند مدیریت شهری بزد در توسعه زیرساخت‌های فرهنگی، ورزشی و گردشگری

بزد – سید محمد جواد عرفان فر : بزد، شهری با پیشینه تاریخی و فرهنگی غنی، امروز با رویکردی نو در مدیریت شهری در مسیر توسعه عدالت‌محور زیرساخت‌های فرهنگی و ورزشی گام برمی‌دارد. از افتتاح زمین‌های استاندارد فوتبال و والیبال ساحلی در پارک بزرگ شهر گرفته تا راه‌اندازی فرهنگسراهای تخصصی گردشگری و نجوم، همه نشانه‌هایی از رویکردی هوشمندانه و آینده‌گراست که عدالت فضایی، استعدایبلی، نشاط اجتماعی و رونق گردشگری شهری را در هم پیوند می‌دهد. شهرداری بزد در ادامه برنامه تحول‌گرای خود در حوزه فرهنگی،

اجتماعی و ورزشی، مجموعه‌ای از پروژه‌های اثرگذار را به بهره‌برداری رسانده که از آن جمله می‌توان به افتتاح دو زمین استاندارد فوتبال ساحلی و والیبال ساحلی در پارک بزرگ شهر اشاره کرد؛ گامی که بنا بر اظهارات مصطفی زارع‌زاده، معاون شهردار و رئیس سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری بزد، بخشی از راهبرد عدالت‌محور مدیریت شهری در توسعه زیرساخت‌های ورزشی و فرهنگی است. زارع‌زاده در مراسم بهره‌برداری از زمین‌های ورزشی ساحلی، با اشاره به هزینه شش میلیارد تومانی این پروژه تصریح کرد: زمین فوتبال ساحلی با ابعاد ۲۰۰ متر و زمین والیبال ساحلی با ابعاد ۲۰۰ متر احداث شده و با مشاوره تخصصی اعضای تیم‌های ملی این رشته‌ها، امکان میزبانی رقابت‌های رسمی و بین‌المللی را دارد. به گفته او، هر مرحله بعدی پروژه شامل ساخت سکوی تماشاگران، رختکن، سرویس‌های بهداشتی و فضاهای خدماتی است تا این مجموعه به یک پایگاه کامل ورزش ساحلی در قلب شهر بزد تبدیل شود. زارع‌زاده تأکید کرد واگذاری این زمین‌ها به باشگاه گل سایوش و اجرای برنامه‌های استعدادیابی در مناطق کپهرخودار، گام مؤثری در تحقق عدالت ورزشی و پرورش استعدادهای بومی است.به گفته معاون شهردار بزد در ابتدای این دوره تنها ۱۴ مجموعه ورزشی در اختیار شهرداری بود اما اکنون این عدد به ۵۲ مجموعه رسیده است؛ افزایش چشمگیری که با ناکه محله‌محور و توزیع متوازن امکانات ورزشی در سطح شهر دنبال شده است. وی در خصوص برنامه آتی افزود: توسعه زمین‌های ورزشی در مناطق صدارآباد و اسکان، ساخت مجموعه چندمنظوره فرهنگی و ورزشی در پارک کوهستان با بودجه ۵۰ میلیارد تومان و ارتقای فضاهای تفریحی از مهم‌ترین برنامه‌های سال آینده است.در حوزه فرهنگی نیز عملکرد شهرداری بزد چشمگیر بوده است. طبق گفته زارع‌زاده تعداد فرهنگسراهای فعال شهر از چهار به ۱۸ افزایش یافته و این فضاها به پایگاه‌های فعال اجتماعی و آموزشی محلات بدل شده‌اند. این تحول، نشانه توجه شهرداری به «عدالت فرهنگی» و ارتقای سطح دسترسی شهروندان به فضاهای فرهنگی است. یوسفی از درخشان‌ترین طرح‌های فرهنگی اخیر، راه‌اندازی فرهنگسرای گردشگری شهرداری بزد در خانه تاریخی موندل‌الهی است؛ فضایی که اکنون به عنوان نخستین فرهنگسرای گردشگری کشور شناخته می‌شود.این مکان پس از مرمت کامل با هدف هم‌افزایی میان فعالان گردشگری، صنایع‌دستی و نهادهای دانشگاهی و استقرار دبیرخانه هفتل طلایی گردشگری بزد، اصنفان و شیراز» آغاز به کار کرده است.زارع‌زاده این فرهنگسرا را «پایگاه مردمی دیلملسی شهر» دانست و گفت: تعاملات بین‌المللی و همکاری با شهرهای خواهرخوانده در این مرکز پیگیری خواهد شد.

اخبار

آمازون از والمارت جلو زد؛ تاج فروش جهان جابه جا شد

آمازون برای نخستین بار توانست از نظر میزان فروش سالانه از والمارت عبور کند و در جدول بزرگ ترین شرکت های جهان از نظر درآمد، به رتبه اول برسد. این تغییر، فقط یک جابه جایی عددی نیست؛ نشانه ای است از انتقال مرکز ثقل اقتصاد خرده فروشی از مدل فروشگاه محور به مدل پلتفرم محور.
آمازون در سال های اخیر با تکیه بر ترکیب تجارت الکترونیک، لجستیک فوق سریع، سرویس های اشتراکی و زیرساخت های ابری و تبلیغات، عملا مرزهای خرده فروشی کلاسیک را جا به جا کرده است. در سمت مقابل، والمارت هم بیکار ننشسته و با سرمایه گذاری سنگین در فناوری، اتوماسیون و تجارت آنلاین، تلاش کرده سهمش را حفظ کند؛ اما اشتاب رشد آمازون در چند فصل اخیر کافی بود تا در یک نقطه تاریخی، «پادشاهی فروش» تغییر کند.
به گزارش بلومبرگ، آمازون فروش سال ۲۰۲۵ را حدود ۷۱۷ میلیارد دلار اعلام کرد، در حالی که فروش والمارت در دوره ۱۲ ماهه منتهی به پایان ژانویه حدود ۷۱۳.۲ میلیارد دلار ثبت شد.
اهمیت این اتفاق از چند زاویه قابل فهم است. اول اینکه آمازون، برخلاف والمارت که دهه ها روی شبکه عظیم فروشگاه ها و زنجیره تامین فیزیکی تکیه داشت، ستون فقرات رشدش را بر داده، الگوریتم، تجربه کاربری و شبکه توزیع دیجیتال بنا کرده است. در چنین مدلی، هر چه مقیاس بزرگ تر شود، هزینه متوسط پایین تر می آید و قدرت قیمت گذاری و سرعت تحویل افزایش پیدا می کند. دوم اینکه آمازون تنها یک فروشنده نیست؛ یک اکوسیستم است؛ بخشی از فروش آن از «بازارگاه» می آید؛ یعنی فروشندگان ثالث که روی پلتفرم آمازون می فروشند و آمازون در ازای خدمات لجستیک، تبلیغات و کارمزد، سهم می گیرد. این یعنی رشد فروش آمازون می تواند همزمان رشد درآمدهای جانبی با حاشیه سود بالاتر را هم فعال کند. در طرف دیگر، آمارهای والمارت نشان می دهد این شرکت نیز در مسیر تبدیل شدن به یک شرکت فناوری-خرده فروشی حرکت کرده است. رشد تجارت الکترونیک و افزایش سهم مشتریان با درآمد بالاتر، باینگر این است که والمارت در فضای تورمی و فشار هزینه های زندگی، هنوز مقصد اصلی خریدهای ضروری باقی مانده و همزمان تلاش می کند از بازار آنلاین عقب نماند. اما تفاوت کلیدی اینجااست: برای والمارت، هر درصد رشد آنلاین باید با هماهنگی شبکه فروشگاه ها، انبارها، تامین کنندگان و عملیات سنتنی انجام شود؛ در حالی که آمازون با معماری دیجیتال، انعطاف بیشتری دارد. از منظر بازارهای مالی، این خبر به نوعی با موج جدید توجه به نقش هوش مصنوعی هم گره خورده است؛ هر دو شرکت در حال استفاده از AI برای پیش بینی تقاضا، بهینه سازی موجودی، شخصی سازی پیشنهادها و کاهش هزینه های لجستیک هستند. بنابراین «رقابت فروش» حالا بیش از آنکه مسابقه تعداد فروشگاه باشد، مسابقه داده، پردازش و سرعت تصمیم گیری است. اگر این روند ادامه یابد، برندگان آینده خرده فروشی جهانی شرکت هایی خواهند بود که بهتر می توانند زنجیره تامین را و هوش مصنوعی و اتوماسیون قفل کنند و تجربه خرید را به یک سرویس همیشه در دسترس تبدیل کنند.

سهام افت کرد و نفت بالا رفت؛ ژئوپلیتیک دوباره فرمان بازار را گرفت

در یک چرخش آشنا اما پرهزینه برای سرمایه گذاران، بازارها بار دیگر نشان دادند که وقتی سایه ژئوپلیتیک سنگین می شود، «ریسک» سریع تر از هر چیز دیگری قیمت گذاری می شود. در تازه ترین موج خبری، سهام جهانی تحت فشار قرار گرفت و در مقابل، نفت با جهش همراه شد؛ ترکیبی که معمولاً پیام مشخصی دارد: سرمایه در حال حرکت به سمت دارایی هایی است که از ریسک عرضه یا تنش سیاسی تاثیر مستقیم می گیرند. این وضعیت، یادآور این نکته است که حتی در دوران روایت های تکنولوژیک و هوش مصنوعی، یک خبر امنیتی یا یک تنش سیاسی می تواند جریان پول را در چند ساعت تغییر دهد. به گزارش بلومبرگ، با بالا گرفتن نگرانی ها درباره تشدید تنش های مرتبط با ایران، نفت به بالاترین سطح چند ماه اخیر رسید و همزمان شاخص های سهامی تمایل به عقب نشینی نشان دادند؛ در همین چارچوب، نفت برنت تا حوالی ۷۲ دلار در هر بشکه گزارش شد و فضای ریسک گریزی در معاملات تقویت شد. چرا بازار اینقدر سریع واکنش نشان می دهد؟ چون نفت علاوه بر اینکه یک کالای صنعتی است، «دارایی ژئوپلیتیک» هم هست. هر نشانه ای از تهدید مسیرهای حمل و نقل، محدودیت صادرات، یا افزایش احتمال درگیری، در ذهن بازار به معنی «ریسک عرضه» است و ریسک عرضه یعنی پرمیوم قیمت. در چنین شرایطی، معامله گران انرژی معمولاً پیش از روشن شدن واقعیت میدانی، با خریدهای احتیاطی وارد می شوند. نتیجه: قیمت نفت بالا می رود، حتی اگر هنوز تغییر واقعی در عرضه رخ نداده باشد.

در سمت سهام، داستان برعکس است. افزایش قیمت انرژی می تواند از مسیر تورم، به نرخ بهره فشار بیاورد و هزینه تولید را بالا ببرد. همین کافی است تا بازار سهام که از قبل هم با نگرانی های فناوری و ارزش گذاری های سنگین درگیر است، یک دلیل دیگر برای کاهش اشتها پیدا کند. ضمن اینکه وقتی تنش ها بالا می گیرد، مدیران سرمایه ترجیح می دهند بخشی از ریسک پرتفوی را کم کنند: فروش سهام، خرید اوراق یا نگه داشتن نقدینگی.

نکته مهم اینجااست که چنین روزهایی معمولاً به یک «تغییر رژیم کوتاه مدت» در بازار منجر می شود: از روایت رشد و درآمد شرکت ها به روایت سیاست و ریسک. برای فعالان بازار، پیام عملی این است که ابزارهای مدیریت ریسک (هجینگ انرژی، کاهش اهرم، یا افزایش وزن دارایی های دفاعی) اهمیت بیشتری پیدا می کند. همچنین بخش هایی مثل خطوط هوایی، حمل و نقل و صنایع انرژی بر معمولاً حساس ترند، در حالی که تولیدکنندگان انرژی و برخی صنایع دفاعی ممکن است نسبتاً مقاوم تر عمل کنند. اگر این موج ژئوپلیتیک ادامه پیدا کند، بازار نفت می تواند پرنوسان بماند و سهام هم تا روشن شدن چشم انداز، در وضعیت شکننده قرار گیرد. اما اگر تنش فروکش کند، معمولاً بخشی از پرمیوم نفت تخلیه می شود و بازار سهام تلاش می کند به روایت های اقتصادی برگردد.

صاحب امتیاز: موسسه مطبوعاتی فرصت سازان امروز

مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا قدیمی

جاب: صمیم

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر، خیابان زرتشت غربی،

روبروی بیمارستان مهر، پلاک ۴۵، طبقه سوم شرقی

دفتر مرکزی: ۸۸۹۹۱۹۲۷

اینفوگرافی امروز



گوگل ادز: سرمایه‌گذاری هوشمندانه یا سوزاندن پول؟

نویسنده: علی آل‌علی

اینترنت را یک کتابخانه بی‌نهایت بزرگ تصور کنید که هر کسب و کار یک کتاب در یکی از قفسه‌های آن است. بعضی کتاب‌ها در قفسه های بالایی و پر رفت و آمد قرار دارند و برخی دیگر در گوشه های تاریک و فراموش شده. حالا گوگل را کتابدار اصلی این مجموعه در نظر بگیرید؛ فردی که مردم برای پیدا کردن کتاب مورد نظرشان اول از همه به سراغ او می روند. شما می توانید سال‌ها تلاش کنید تا با نوشتن یک محتوای بی نظیر و جلب نظر دیگران، کتاب‌تان را به قفسه های بهتر منتقل کنید. به این کار سنو یا بهینه سازی موتور جست‌وجو می گویند.

اما یک راه میانبر هم وجود دارد: شما می‌توانید به کتابدار مبلغی بپردازید تا کتاب شما را مستقیماً روی میز اصلی ورودی کتابخانه، درست جلوی چشم همه، قرار دهد. این همان کاری است که گوگل ادز انجام می‌دهد.

این پیشنهاد، یعنی دیده شدن در کوتاه ترین زمان ممکن، به شدت وسوسه‌انگیز است، اما یک سوال اساسی ذهن هر صاحب کسب و کار هوشمند را به خود مشغول می‌کند: آیا پرداخت این پول یک سرمایه‌گذاری هوشمندانه است که مشتریان جدیدی را به ارمغان می‌آورد یا فقط راهی سریع برای سوزاندن بودجه بازاریابی است؟ پاسخ به این سوال یک بله یا خیر ساده نیست. گوگل ادز یک ابزار است؛ ابزاری قدرتمند که اگر درست از آن استفاده شود معجزه می‌کند و اگر اشتباه به کار گرفته شود، چیزی جز ضرر به همراه نخواهد داشت.

ما در این مقاله قصد داریم نگاهی به هزینه و فایده گوگل ادز در دنیای امروز ببینیم. اگر شما کلی شک و تردید درباره استفاده از آن دارید، بد نیست در ادامه با ما همراه شوید. این مقاله به شما یاد می‌دهد با چشم‌های باز درباره این ابزار قضاوت کنید.

جادوی گوگل ادز: چرا این ابزار اینقدر محبوب است؟

جذابیت اصلی گوگل ادز در توانایی آن برای رساندن شما به مشتری مناسب، درست در لحظه‌ای که او به شما نیاز دارد نهفته است. برخلاف تبلیغ در یک مجله یا یک بیلبورد در اتوبان که مخاطبانش طیف گسترده و غیرمربطی هستند، تبلیغات گوگل براساس یک اصل قدرتمند کار می‌کند: نیت کاربر.

وقتی کسی در گوگل عبارت «خرید دوربین عکاسی برای طبیعتگردی» را جست‌وجو می‌کند، او یک بیننده عادی نیست. او یک خریدار بالقوه با یک نیاز مشخص است. قرار گرفتن در مقابل چنین فردی در آن لحظه طلایی، ارزشمندترین فرصت برای یک فروشگاه لوازم عکاسی است. این جادوی اصلی گوگل ادز است، اما قدرت های دیگری نیز در آستین دارد.

یکی از این قدرت ها، سرعت است. فرآیند سئو و رسیدن به صفحه اول گوگل به صورت ارگانیک، یک ماراثن طولانی و نیازمند ماه‌ها یا حتی سال‌ها تلاش مستمر است اما با گوگل ادز، شما می‌توانید همین امروز کمپین خود را راه‌اندازی کنید و تا چند ساعت دیگر، در صدر نتایج جست‌وجو ظاهر شوید. این سرعت برای کسب و کارهایی که به دنبال نتایج فوری هستند، یک مزیت بی‌رقیب است.

قدرت دیگر، دقت هدف‌گیری است. شما می‌توانید مشخص کنید که تبلیغ‌تان فقط به افرادی نمایش داده شود که در یک شهر خاص زندگی می‌کنند، در بازه سنی مشخصی هستند، در ساعات معینی از روز جست‌وجو می‌کنند یا حتی قبلاً از وب سایت شما بازدید کرده‌اند. برندی مانند نایکی را در نظر بگیرید. آنها می‌توانند یک کمپین بسیار دقیق برای نمایش تبلیغ کفش های جدید دو و میدانی خود فقط به کاربرانی در شهر برلین اجرا کنند که عبارت «بهترین کفش برای ماراثن» را از طریق تلفن همراه خود جست‌وجو کرده‌اند. این سطح از دقت، هدررفت بودجه را به حداقل می‌رساند.

و در نهایت، مهمترین قدرت گوگل ادز قابل اندازه‌گیری بودن آن است. شما دقیقاً می‌دانید که چه مقدار پول خرج کرده‌اید، چند نفر تبلیغ شما را دیده‌اند، چند نفر روی آن کلیک کرده‌اند و از این تعداد، چند نفر در نهایت خرید کرده‌اند. این داده‌های شفاف به شما اجازه می‌دهد تا بازگشت سرمایه خود را به دقت محاسبه کنید؛ مزیتی که در بسیاری از روش های تبلیغات سنتی، تنها یک رویاست.

چه زمانی گوگل ادز به یک کابوس تبدیل می‌شود؟

با وجود تمام این مزایای فریبنده، گوگل ادز می‌تواند به سرعت به یک ماشین پول‌سوزی تبدیل شود. این اتفاق زمانی می‌افتد که کسب و کارها با یک ذهنیت ساده‌انگارانه وارد بازی می‌شوند و از پیچیدگی های پنهان آن غافل می‌مانند.

بزرگ‌ترین تله، پیچیدگی خود پلتفرم است. گوگل ادز یک ابزار ساده نیست که آن را تنظیم کنید و به حال خود رها کنید. سیستم‌حراجی آن براساس عواملی مانند قیمت پیشنهادی و یک پارامتر مهم به نام



نگاه

کسری تجاری آمریکا در دسامبر بزرگ تر شد؛ جهش واردات و یک هشدار اقتصادی

آمار جدید تجارت خارجی آمریکا نشان می‌دهد کسری تجاری این کشور در ماه دسامبر به شکل معناداری بزرگ تر شده است؛ خبری که در نگاه اول ممکن است صرفاً یک عدد در گزارش های ماهانه به نظر برسد، اما در واقع می‌تواند نشانه‌هایی از مسیر مصرف، سرمایه‌گذاری و حتی سیاست اقتصادی را آشکار کند. بزرگ شدن کسری تجاری معمولاً یعنی واردات سریع‌تر از صادرات رشد کرده یا صادرات افت کرده است. این موضوع می‌تواند از رونق تقاضای داخلی خبر بدهد، یا برعکس، از ضعف رقابت‌پذیری صادرات و فشار دلار قوی حکایت کند. در این گزارش مشخص، جهش واردات نقش برجسته‌ای دارد.

به گزارش الجزیره، شکاف تجاری آمریکا در دسامبر با جهش ۳۲.۶ درصدی به حدود ۷۰.۳ میلیارد دلار رسید؛ در حالی که برآورد برخی اقتصاددانان کاهش کسری به حدود ۵۵.۵ میلیارد دلار بود.

این اختلاف با انتظارات بازار از دو جهت اهمیت دارد. اول اینکه نشان می‌دهد جریان واردات فراتر از برآوردها بوده و احتمالاً کسب و کارها و مصرف‌کنندگان آمریکایی در پایان سال میلادی، خریدهای سنگین‌تری انجام داده‌اند. دوم اینکه کسری تجاری در محاسبات تولید ناخالص داخلی (GDP) اثر دارد؛ به بیان ساده، وقتی واردات بالا می‌رود و صادرات همزمان رشد نمی‌کند، «خالص صادرات» منفی‌تر می‌شود و می‌تواند از رشد اقتصادی کم‌کند.

جزئیات تکمیلی که در گزارش های همسو مطرح شده، نشان می‌دهد بخشی از افزایش واردات می‌تواند با تجهیزات سرمایه‌ای و کالاهای مرتبط با زیرساخت‌های فناوری و هوش مصنوعی در ارتباط باشد؛ یعنی شرکت‌ها برای توسعه دیتاسنترها، تجهیزات مخابراتی و قطعات کامپیوتری وارد می‌کنند. چنین الگویی دو پیام دارد: از یک سو نشانه سرمایه‌گذاری و توسعه ظرفیت است، و از سوی دیگر فشار واردات را بالا می‌برد.

از منظر سیاست‌گذاری، این خبر در فضای سیاسی آمریکا معمولاً حساسیت ایجاد می‌کند، چون کسری تجاری اغلب به عنوان نماد «عدم توازن» معرفی می‌شود. اما اقتصاددانان یادآوری می‌کنند که کسری تجاری فقط با تعرفه و محدودیت واردات حل نمی‌شود؛ چون ریشه آن می‌تواند در تفاوت نرخ پس‌انداز و سرمایه‌گذاری داخلی، جذابیت بازار مصرف آمریکا و نقش دلار به عنوان ارز ذخیره جهانی باشد. به همین دلیل، حتی با وجود سیاست‌های محدودکننده، کسری می‌تواند به دلایل ساختاری بالا بماند.

برای بازارها، پیام کوتاه مدت این است: اگر واردات بالا بماند و صادرات ضعیف شود، داده‌های رشد ممکن است نوسانی شود و بحث درباره سیاست پولی و نرخ بهره دوباره داغ شود. همچنین صنایع وابسته به واردات و زنجیره تامین خارجی ممکن است تحت تاثیر تغییرات سیاستی قرار گیرند. در مجموع، کسری تجاری دسامبر یک علامت هشدار است که باید در کنار داده‌های مصرف، سرمایه‌گذاری و تورم خوانده شود، نه به صورت مستقل.

تورم ژاپن زیر ۲ درصد رفت؛

معمای جدید برای بانک مرکزی و بین

ژاپن پس از دوره‌ای طولانی از تورم بالاتر از هدف، حالا دوباره با کاهش فشارهای قیمتی مواجه شده است؛ به طوری که تورم سرفصل برای نخستین بار از مارس ۲۰۲۲ به زیر هدف ۲ درصد بانک مرکزی ژاپن (BOJ) برگشته است. این خبر در ظاهر می‌تواند برای خانواده‌ها و سیاستمداران خوشایند باشد، اما برای بانک مرکزی یک چالش ارتباطی و سیاستی ایجاد می‌کند: آیا باید مسیر افزایش نرخ بهره را ادامه داد یا باید منتظر ماند تا معلوم شود کاهش تورم موقتی است یا پایدار؟

به گزارش رویترز، تورم سرفصل ژاپن در ژانویه به حدود ۱.۵ درصد کاهش یافت و تورم هسته نیز به کم‌دو ساله نزدیک شد؛ عواملی مانند پاران‌ه‌های سوخت و اثرات پایه در این کاهش نقش داشته‌اند.

نکته کلیدی اینجااست که بانک مرکزی ژاپن مدت‌ها تلاش کرد تورم را به طور پایدار با ۲ درصد برساند و همزمان رشد دستمزدها را تقویت کند. حالا که تورم پایین آمده، BOJ باید توضیح دهد آیا این افت تورم به معنی پایان فشارهای قیمتی است یا صرفاً نتیجه سیاست‌های حمایتی دولت (مثل پاران‌ه انرژی) و تغییرات کوتاه مدت قیمت کالاهاست. چون اگر کاهش تورم ناشی از پاران‌ه باشد، با پایان پاران‌ه‌ها ممکن است دوباره تورم بالا برگردد.

در همین گزارش‌ها اشاره می‌شود که شاخص‌های عمیق‌تر تورم (مثلاً تورم بدون غذا و انرژی) هنوز بالاتر از هدف قرار دارند و همین می‌تواند به BOJ استدلال بدهد که فشارهای بنیادی به طور کامل از بین نرفته است. از سوی دیگر، ضعف رشد جهانی می‌کند شدن تقاضای می‌تواند تورم وارداتی را کاهش دهد و دست BOJ را برای صبر کردن باز بگذارد.

بازار ارز هم به این داده‌ها حساس است. وقتی تورم پایین می‌آید، انتظار برای افزایش نرخ بهره کاهش پیدا می‌کند و این می‌تواند به تضعیف ین کمک کند؛ هرچند واکنش نهایی به ترکیب داده‌ها، پیام سیاستمداران و چشم‌انداز رشد بستگی دارد. در بازار اوراق هم، کاهش تورم معمولاً به معنی کاهش بازده مورد انتظار است، اما اگر سرمایه‌گذاران باور کنند BOJ همچنان مسیر عادی‌سازی را ادامه می‌دهد، بازده می‌تواند بالا بماند.

به بیان ساده، ژاپن وارد مرحله‌ای شده که «عدد تورم» به تنهایی کافی نیست. بانک مرکزی باید به بازار نشان دهد معیارش برای تصمیم‌گیری چیست: تورم سرفصل؟ تورم هسته؟ رشد دستمزدها؟ یا انتظارات تورمی؟ اگر این پیام رسانی شفاف نباشد، نوسان در بین و بازار اوراق می‌تواند افزایش یابد. برای اقتصاد جهانی هم اهمیت ژاپن کم نیست؛ چون هر تغییر در سیاست BOJ می‌تواند بر جریان سرمایه بین‌المللی و بازارهای اوراق اثر بگذارد.